



دوماهنامه ی ادبی-تربیتی-اجتماعی
نبض حیات/ سال دهم/ شماره دوم/
تیرماه ۱۴۰۳/ پردیس زینبیه پیشوا



معلم تتمدن ساز

میتوانیم این جور بگوییم که معلمان، افسران سپاه
پیشرفت کشورند. اگر حرکت عمومی پیشرفت کشور
را به حرکت یک سپاه بخواهیم تشبیه کنیم، افسران
جوان این مجموعه عبارتند از معلمان عزیز؛
و خود آنها باید این نقش را بآورد کنند.

عبدال

سخن سردبیر

این سخن امام خمینی که معلمی را شغل انبیا دانستند، یک شعار تبلیغاتی نبود، سخن قرآن بود که فرموده است: ویزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحمکه... تزکیه و تعلیم و کتاب و حکمت الهی چهار واژه‌ی کلیدی در دعوت اسلام و همه پیامبران است. واژه کلیدی دیگر قیام به قسط است. در مدرسه نبوت‌ها، نسل‌های بشر با کتاب و حکمت، آموزش و پرورش می‌یابند و آنگاه زندگی عدالت‌محور بنا میکنند و جوامع بشری بدین ترتیب به هدفهای آفرینش انسان نزدیک میشوند. نظام اسلامی با همین هدف یعنی شکل‌گیری یک جامعه‌ی دینی عادلانه و آرمان‌خواه پدید آمد، و طبیعی است که نظام آموزشی کشور نیز نمیتواند هدفی جز هدف کلی نظام داشته باشد. کودک و نوجوان و جوان در کشور اسلامی می‌آموزد که استعداد و توان بالقوه‌ی خود را برای ارزش‌های متعالی ملی یعنی ارزش‌های اسلامی و انقلابی شکوفا کند و به‌کار گیرد. این آموزش حیاتی و سازوکار تحقق آن، همان کار بزرگ و جهاد مبارکی است که معلمان عهده‌دار آن شده‌اند. اسلام ما را به علم نافع فرا میخواند، علم نافع از سوئی جوان ایرانی را به ابزارهای لازم برای پیشرفت و اعتلای کشور و ملتش مجهز می‌سازد، و از سویی به او هویت می‌بخشد و او را از وزانت و اعتبار روحی و معنوی و اعتماد به نفس برخوردار میکند. نسل جوانی که در این مسیر، صیورت و پرورش می‌یابد، ثروتی آن‌چنان انبوه و ذخیره‌ای آنچنان عظیم است که هیچ پدیده‌ی ارزشمند دیگری برای کشور با آن برابری نمیکند. این ثروت، محصول کار و انگیزه‌ی معلمان در مدارس و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه است. رحمت و فضل خدا بر دست‌های پرکار و دل‌های پر انگیزه‌ی آنان باد. ما چگونه نسلی می‌خواهیم؟ ما اول چیزی که لازم است برای دانش‌آموز خودمان در نظر بگیریم، این است که در او هویت مستقل ملی و دینی به وجود بیاوریم؛ این اولین چیز؛ هویت مستقل و با عزت. ما باید شاخص‌های ممتاز و برجسته را در دانش‌آموزمان زنده کنیم. در او مفاهیم جریان‌ساز و عمل‌ساز را تولید کنیم و به راه بیندازیم و زنده کنیم؛ ایمان؛ اندیشه‌ورزی، یاد بگیرد

فکر کند؛ مشارکت اجتماعی. اگر چنانچه توانستید این مفاهیم جریان‌ساز را در ذهن دانش‌آموزتان رسوخ بدهید، خدمت بزرگی به آینده‌ی کشورتان کرده‌اید. بنابراین طبق فرموده مقام معظم رهبری، بچه‌ها را متدین بار بیاورید. متدین بار آوردن بچه‌ها همان چیزی است که می‌تواند آینده‌ی این کشور را آباد کند. درود خدا بر شهیدان و سپاس ما به معلمان و خوشامد ما نثار نسل جوان خوش عاقبت ملت ایران باد.

نسرین سعادت
سردبیر نشریه‌ی اجتماعی- تربیتی-
ادبی نبض حیات



معلم شغل انبیاست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه:

دوماهنامه‌ی ادبی- تربیتی- اجتماعی نبض حیات | سال دهم، شماره دوم، تیر ماه ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: دانشگاه فرهنگیان، پردیس زینبیه

مدیر مسئول و سردبیر: نسرین سعادت

نویسندگان: زهرا کولیوند، فاطمه مقصودی، نسرین سعادت، زهرا عباسی، نگین آقایی، مریم خوش‌آبی، نگین کاکولوند

استاد راهنما: خانم دکتر شراره سادات سرسرابی

طراح و صفحه آرا: مرضیه انبری

ویراستار: نسرین سعادت

نشانی دفتر نشریه: پردیس زینبیه پیشوا، ساختمان آموزش، طبقه اول، واحد فرهنگی پردیس زینبیه.

برای انتشار مطالب خود در نشریه نبض حیات کافی است، مطالب خود را برای سردبیر نشریه ارسال کنید. همچنین

شما می‌توانید در شبکه‌های مجازی پردیس زینبیه جدیدترین شماره‌های نشریه را دانلود و مطالعه کنید.

@nabzehayat_cfu

@nabzehayatnh

فهرست:

- ۱..... سخن سردبیر
- ۲..... زنگ شهادت
- ۶..... هوش مصنوعی و فرایند یاددهی و یادگیری
- ۱۰..... سیاحت ۳۰ دقیقه‌ای در دنیای آموزش و پرورش
- ۱۴..... تربیت تمام ساحتی معلمان
- ۲۰..... تربیت نسل مسئولیت‌پذیر: بررسی نقش خانواده و مدرسه
- ۲۴..... بلاگر شدن و تاثیر استفاده از اینستاگرام بر کودکان
- ۲۸..... معرفی کتاب





زنگ شهادت

بررسی رابطه بین محبوبیت شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی در بین مردم و ولایت پذیری ایشان



زهرا عباسی
کارشناسی آموزش ابتدایی

بشر برای پیمودن راه سعادت و گام نهادن در طریق عبودیت و پیشرفت معنوی و رسیدن به کمالات انسانی که مهم‌ترین هدف خلقت انسان از دیدگاه اسلام است؛ همواره محتاج راهنمایان و پیشوایانی بوده تا او را در این راه دست گیرند و راه نمایند. بر این اساس خداوند متعال از باب رحمت گسترده خویش بر بندگان ، از آغاز خلقت بشر ، پیامبرانی همراه با تعالیم و آموزه‌های حیات بخش را به سوی بندگان فرو فرستاد اطاعت اهل بیت (علیهم السلام) و پذیرش ولایت ایشان از مباحث مهمی است که در منابع اسلامی مطالب فراوانی در مورد آن نگاشته شده و هریک به بعدی از آن و جایگاه و ضرورت آن پرداخته اند ، تا آنجا که پذیرش ولایت معصومان (علیهم السلام) جزء مسلمات مذهب تشیع و شرط ورود به این مکتب دانسته شده است ولایت پذیری در پرتو معرفت و شناخت ، اطاعت و پیروی و محبت نسبت به امامان معصوم (علیهم السلام) حاصل می شود و پذیرش آن آثار فراوانی برای فرد ولایت مدار به همراه دارد.

۱- معرفی

شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی در شهر مشهد دیده به جهان گشود. شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی خادم الرضا بود، او خود را خادم زائران رضوی می‌دانست و افتخار خدمت به آنها را بزرگترین افتخار زندگی خود می‌دانست. آیت الله سید ابراهیم رئیسی عصر یکشنبه ۳۰ اردیبهشت سال ۱۴۰۳ در مسیر بازگشت با بالگرد از مراسم افتتاح سد قیز قلعه سی در شمال آذربایجان شرقی به سمت تبریز، در منطقه ورزقان استان آذربایجان شرقی دچار سانحه هوایی شد و در شب میلاد امام مهربانی، علی ابن موسی الرضا علیه السلام به مقام رفیع شهادت نائل شد. حضور اقشار مردم با گرایش‌های مختلف در مراسم تشییع شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی جهانیان را شگفت زده کرد. در جامعه امروزی که سبک زندگی غربی به زندگی مردم شرقی نفوذ کرده و در بین جوانان طرفدار دارد و توجه نسبت به اسلام و آموزه‌هایش در بین برخی کم‌رنگ شده است محبوب شدن افرادی که وجهه مذهبی دارند کاری سخت است. ما در این متن تلاش کردیم رابطه بین محبوبیت شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی بین مردم و ولایت پذیری ایشان را مورد بررسی قرار دهیم.

۲- عاشق خدا

آن خدایی که گرسنگی را در وجود انسان قرار داده غذا را نیز آفریده است و آن که تشنگی را به جان انداخته آب را نیز مرحمت فرموده و او که به ما دل داده است در معرفی دلبر نیز عنایت ویژه داشته است تا ما انسان‌ها در انتخاب معشوق، به بیراهه نرویم و به جای آب سراب را به خانه دل نیاوریم که جز خسران و زیان حاصلی نصیب نمی‌کند که معشوق‌های فانی همه در حکم سراب هستند. انسان اگر در انتخاب معشوق اشتباه کرد دچار خسران و زیان غیرقابل جبران میشود؛ چرا که عاشق تمام وجود مال و عمر خود را فدای معشوق می‌کند. پس برای فدا شدن و به کمال رسیدن اول باید معشوق برتر را پیدا کرد. بهترین معشوق کسی است که نه تنها در نهایت جمال و زیبایی است بلکه کمالات او نیز در اوج است. با وجود چنین معشوقی به سراغ عشق‌های آنی و فانی رفتن که انسان را از صعود به قله‌های کمال باز میدارد شرط عقل و انصاف نیست. عشق ورزیدن به کسی که خوبی‌ها و مهربانی‌اش بی‌نهایت است و لطف و دستگیری‌اش بی اندازه، عشقی جاودان و پرثمر است؛ پس عشق، این گوهر آفرینش را به پای کسی بریزم که شایسته‌اش باشد، کسی که با زیبائیش، با دستان پرمهرش و با اخلاق و مرامش ما را شیفته خود کند. خداوند با خوبی های بی‌نهایتش و لطف و پرده‌پوشی‌اش، ما را به عشقش فرا می‌خواند. او که برای کوتاهی ما مرام می‌گذارد و عنایت خود را هرگز از ما دریغ نمی‌دارد؛ او که از صفات خوبی بهره دارد، اخلاقی عالی است و در رسیدگی به عاشق کوتاهی ندارد. عاشق تمام همتش این است که به معشوق برسد؛ هر عاشقی قدر و ارزشش به اندازه‌ی معشوق است. حال اگر کسی عاشق خدا شود قدر و ارزشش تا بی‌نهایت بالا می‌رود؛ اما عاشق دنیا ارزشش بسیار پایین می‌آید که تمام دنیا کالای کمی است چه برسد به قسمتی از آن. و شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی عاشق خدا بود. مهم‌ترین نشانه دوستی و عشق خداوند یاد اوست که همیشه و همه جا همراه شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی بود. وقت خواب و بیداری، وقت کار و استراحت. شناخت خداوند بهترین راه است برای قرار گرفتن در دایره‌ی جذبه‌ی او و فدا نمودن تمام هستی به پای او و این شناخت کار عقل است که عقل شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی معصوم شناس بود و دلش معصوم پسند. خداوند به انسان عقل داد تا وجود و خصوصیاتش را دریابد و دل داد که بتواند عاشق خدا شود. اگر عقل از غبار هوا و هوس به دور باشد و درست بنگرد عشق درست را انتخاب خواهد کرد، باقی کارها بر عهده‌ی دل است که دلدار را در خود و در تمام وجودش خانه دهد. وقتی دل متوجه مقام خدا شد دیگر راه تجلیات ناب نور انسان کامل بر باطن انسان باز می‌شود که در زبان، وصف چنین ارتباطی را توصیف نیست.

۳- راه رسیدن به معشوق

از مسیر مودت به انسان‌های معصوم که نمایش کمالات الهی هستند و آیت کبرای خداوند می‌باشند راه عشق به خدا گشوده می‌شود، چون امامان معصوم (علیهم السلام) مطلق کمال در موطن انسانیت‌اند و عشق به آنها امکان انتقال عشق به کمال مطلق را در انسان پدید می‌آورد. عاشق نه در سودای تملک است و نه در طلب ماندن، می‌خواهد یک چیز بماند و آن محبت به معشوق است. انسان بدون آنکه تصورش را بکند چون وارد

فرهنگ محبت به انسان‌های معصوم شد، ناگهان می‌بیند چه برکات غیر قابل تصویری از این محبت نصیبش می‌شود دیگر حتی نمی‌گوید: خدا در قلب من است بلکه متوجه می‌شود او در قلب خداوند است. شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی زندگی خود را بر اساس تجلیات انوار الهی که بر جان برگزیدگانش تجلی می‌کند تنظیم کرده بود. شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی از حجاب کبر و شهرت آزاد شده بود و تمام وجودش محبت به ائمه اطهار و امام رضا (علیه السلام) بود همچنانکه عمق جاننش یعنی قلبش محبت و ایمان به خدا بود اطاعت از اهل بیت (علیهم السلام) و پذیرش ولایت ایشان از مباحث مهمی است که در منابع اسلامی مطالب فراوانی در مورد آن نگاشته شده و هریک به بعدی از آن و جایگاه و ضرورت آن پرداخته‌اند تا آنجا که پذیرش ولایت معصومان جزء مسلمات مذهب تشیع شرط ورود به این مکتب دانسته شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بر اساس احادیث مشهور از قبیل حدیث متوافر ثقلین بارها تا لحظات پایان عمر خود، امتشان را به شناخت اهل بیت و محبت و اطاعت از ایشان در کنار قرآن سفارش فرموده‌اند. معصومان نیز در روایات بسیاری معرفت امام معصوم علیه السلام را عامل سعادت دنیا و آخرت، جهل و نافرمانی به او را عامل شقاوت و هلاکت ابدی معرفی نموده‌اند. به عنوان نمونه در روایتی آورده شده که امام صادق (علیه السلام) به معلی بن خنیس می‌فرماید: «اگر بنده‌ای صد سال میان رکن و مقام خدا را بنگذی کند، روزها را روزه بگیرد و شب‌ها را به تهجد و راز و نیاز بگذراند تا جایی که از شدت پیروی ابروانش روی چشمانش را بگیرد و استخوان‌های گردنش در سینه‌اش فرو رود ولی نسبت به حق ما جاهل باشد و جایگاه ما را نشناسد هرگز برای او پاداشی نخواهد بود». منظور از ولایت پذیری محبت صرف نسبت به اهل بیت نیست بلکه پذیرش سرپرستی ایشان و اطاعت و تبعیت از دستورات و سیره آن بزرگان است. ولایت پذیری و اطاعت از ایشان دستور الهی است و خداوند در قرآن کریم فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر (اوصیای پیامبر) را . (نساء) (۵۹) خداوند در این آیه و آیات دیگری « بگو: فرمان خدا و رسول را اطاعت کنید و اگر از آنان روی گردانید و کافر شوید همانا خدا هرگز کافران را دوست ندارد». (آل عمران: ۳۲) به اطاعت از پیامبر خود توصیه فرموده است. زیرا رسول خدا از طرف خداوند است و هر آنچه می‌گوید همه وحی الهی است. اولی الامر نیز در ردیف پیامبر هستند و از آنجا که رسول و اولی الامر یکی هستند اطیعوا برای اولی الامر تکرار نشده و هر دو اطاعت خداوند متعال است . بر این اساس کسی که از اهل بیت اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده است و کسی که از آنها سرپیچی کند از خدای متعال سرپیچی کرده است . در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: دروغ پنداشته کسی که خود را شیعه ما بداند در حالی که به ریسمان غیر ما چنگ می‌زند». در حدیث دیگری از همان امام آمده است: «شیعه ما نیست کسی که به زبان بگوید شیعه هستم اما در عمل با ما مخالفت کند و آثار ما را زیر پا گذارد، شیعه ما کسی است که با زبان و دل با ما موافق باشد و آثار ما را پیروی کند و مانند ما رفتار کند چنین کسانی شیعه واقعی ما هستند». «ولایت» حقیقت و باطن دین است؛ وقتی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خدا را عبادت می‌کند و زمانی که نازل عبادت ایشان در عالم برای هدایت جاری می‌شود از راه‌های خاصی واقع می‌شود. اگر ما در این مسیر

● ۴- افزایش ایمان

یکی از آثار ولایت مداری در زندگی شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی افزایش ایمان ایشان بود. زیرا هراندازه عشق و محبت همراه با معرفت انسان به اهل بیت بیشتر شود باور معنوی او قوی‌تر خواهد شد، زیرا محبت اهل بیت به محبت خدا گره خورده است. چنان که رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) به اصحاب خود فرمود: کدام یک از دستاویزهای ایمان برای چنگ زدن محکم‌تر است؟ عرض کردند: خدا و رسولش آگاه‌ترند. نماز، زکات، روزه و حج از جمله پاسخ‌هایی بود که برخی اصحاب مطرح کردند اما حضرت فرمود: همه آنچه گفتید ارزش ویژه‌ای دارد ولی مطمئن‌ترین دستاویز ایمان حب در راه خدا و بغض در راه خدا و دوست داشتن اولیای خدا و بیزاری از دشمنان خداست. این ایمان به خدا یک نگاه قدسی به شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی داده بود و بر همین مبنا وی عالم را از دریچه وحی میدید و معتقد به قدرت خدا بود. اگر از او می‌پرسیدی آیا ممکن است آتش نسوزاند، پاسخ می‌داد اگر خدا بخواهد آری، اگر از او می‌پرسیدی آیا ممکن است به طرف کسی از اطراف رگبار تیر ببارد اما تیرها به سمت او نروند و منحرف شوند پاسخش این بود که اگر خدا بخواهد آری. وی خلق خدا را خانواده خدا می‌دانست و خدمت به آنان را خالصانه و برای رضای او انجام میداد. در برابر بدی دیگران صبر و تحمل در پیش می‌گرفت و نه تنها به دیگران شر نمی‌رساند بلکه در برابر آزار دیگران صبر و تحمل داشت و شر دیگران را با نیکی پاسخ میداد.

● ۵-محبوبیت در دل مردم

همانا آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند، خدای رحمان آنها را در نظر خلق و حق محبوب میگرداند. هر فردی از افراد اجتماع مایل و علاقمند است که مورد توجه و مهر دیگران واقع شود و در هاله‌ای از مودت و محبت مردم فرورفته و در قلوب مردم که کانون عواطف و احساسات پاک انسانی است جای داشته باشد. تمام افراد، خواهان و خواستار این مطلبند، یعنی همه می‌خواهند مورد توجه و مهر مردم واقع شوند. در دوران حیات امواج عواطف مردم به سوی آنها متوجه شده و پس از مرگ آنان را به نیکی یاد کنند. چنین آرزویی، یک تمنای فطری و طبیعی بوده است. اما چرایی از عوامل محبوبیت شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی در میان مردم ایمان ایشان است؟ یک جمله

حرکت کنیم به هدایت می‌رسیم، دین بیانگر این راه‌ها و مناسک جریان همین ولایت است؛ یعنی دین بیان می‌کند که چه کارهایی انجام دهید و از چه اموری بپرهیزید تا از ولایت خارج نشوید. در بحارالانوار از امام صادق (علیه السلام) داریم وقتی مومن را در قبر می‌گذارند شش صورت زیبا در شش جهت اطراف او را می‌گیرند، یعنی از بالا، پایین، سمت راست و چپ و پشت سر و مقابل. اینها تجسم اعمال نیک انسان است. یکی از آنها خیلی زیبا و خوش بوست که بالای سر شخص است و به دیگران خطاب می‌کند: شما چه کسی هستید؟ صورت سمت راست می‌گوید من تجسم نماز هستم، صورت سمت چپ می‌گوید: من تجسم زکات (یا) مطلق صدقات هستم، صورت مقابل می‌گوید: من تجسم روزه هستم و صورت پشت سر می‌گوید که من تجسم حج عمره هستم و صورت پایین می‌گوید که من تجسم نیکی به بندگان خدا هستم. این پنج صورت که خیلی زیبا هستند به آن صورتی که از همه زیباتر است می‌گویند که شما چه کسی هستید؟ او می‌گوید: من تجسم ولایت و دوستی با اهل بیت هستم. نیز امام صادق (علیه السلام) فرمود: «در عالم قبر، از نماز و زکات و حج و روزه و ولایت و محبت میت با ما خاندان، رسالت سؤال می‌کنند، مقام ولایت که به صورتی در جانب قبر قرار دارد به نماز حج و روزه و زکات می‌گوید اگر در شما نقص وجود دارد من آن نقص را تکمیل می‌کنم بنابراین یگانه چیزی که در عالم قبر به داد انسان میرسد و موجب نجات و دلگرمی او می‌شود، اعمال نیک و محبت اهل بیت علیه السلام است. بنابراین اساس و مبنای دین پذیرش ولایت است که باطن دین می‌باشد و اگر کسی آن را قبول نکند ارتباط حقیقی با خدا برقرار نمی‌شود. نماز کسی که ولایت را قبول نکند، اگر همه قواعد نماز را نیز داشته باشد اثری ندارد بر اساس روایات اگر انسان بدون ولایت از اول عمر تا آخر بین رکن و مقام عبادت کند پذیرفته نیست. نتیجه جریان امامت جریان نور حیات معرفت و هدایت است انسان تا به چیزی معرفت نیابد محبت پیدا نمی‌کند. ارزش انسان به مقدار محبت اوست و هر کس با محبوبش محشور میشود و بالاترین محبت و دوستی نیز در همان اساسی‌ترین رکن دین به نام «ولایت» نهفته است. دوستی به معرفت میسر می‌شود و معرفت باطن عبادت است. به طور کلی، مبنای تربیت دینی به شمار می‌آید. شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی ولایت مدار راستینی بود که در قول، عمل و قلب خود ولایت اهل بیت را پذیرفت و در راستای مسیر ایشان گام برداشت.

می‌تواند پاسخ این سؤال را روشن کند و آن این که افراد با ایمان به خدایی معتقدند که با پیام‌های مؤکدی که وسیله پیامبران خود فرستاده است، مردم را پس از خداشناسی به عمل صالح و خدمت به جامعه دعوت نموده و بزرگ‌ترین پاداش را برای چنین خدمات معین نموده است، طبعاً افراد با ایمان همچون شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی به امید درک یک چنین پاداش‌های بزرگ و جاویدان خواه ناخواه دست به یک سلسله خدمات اجتماعی و اعمال انسانی زده و گره از کار مردم می‌گشایند و ناگفته پیدا است که خدمتگزاران، صدیق و گره‌گشایان وارسته همواره مورد علاقه مردم می‌باشند. تاریخ زندگی بشر به وضوح این مطلب را ثابت می‌کند که درمیان قشرهای با ایمان افراد با فضیلت و خدمتگزار و دلسوز بیش از گروه‌های دیگر وجود دارد، زیرا ایمان به خدا و ایمان به سرای دیگر ایمان به پاداش‌های مهمی که درباره خدمات انسانی وارد شده است بزرگ‌ترین عامل و محرک برای بذل جان و مال درراه رفاه مردم است، از آنجا که فرد با ایمان با دیده وسیع به جهان هستی می‌نگرد و رشته زندگی را پس از مرگ نیز گسسته و پایان یافته نمی‌داند، برای کسب رضای خدا و نیل به پاداش‌های بزرگ او، گاهی جان و مال خود را وقف زندگی و رفاه یتیمان و درماندگان و بینوایان می‌نماید، در صورتی که این عامل و محرک در افراد مادی و گروه‌هایی که از نظر مبنای مذهبی ضعیف و سست می‌باشند وجود ندارد. آری در فکر مردم بودن، روح مسلمانی است و شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی نمی‌توانست دغدغه‌ی مردم را نداشته باشد و دانست که خودبینی آفت عشق است و نگاه به نیاز نیازمند، زمینه‌ی مناسب برای رهیدن از بند خودپیت است. در آموزه‌های دینی، مومنان از نظر مهرورزی نسبت به یکدیگر مانند یک پیکرند که هرگاه عضوی از آن دچار درد می‌شود، سایر اعضا همدردی خود را با آن ابراز می‌کنند و به کمکش می‌شتابند. امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «خدا در زمین بندگان دارد که در رفع نیازهای مردم می‌کوشند. اینان روز قیامت ایمن و آسوده‌اند . هر کس که مومنی را خوشحال کند، خداوند در روز قیامت، قلب او را شاد خواهد کرد . خدمت به مردم از سوی شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی برخاسته از همین آموزه های دینی بود. ایشان بر این اعتقاد بودند که بدون مردم هیچ کاری نمی‌توان انجام داد. وی چه زمانی که رییس قوه قضاییه بودند و چه زمانی که بر مسند ریاست جمهوری تکیه زند، فاصله‌شان با مردم هیچ تغییری نکرد و در هر فرصتی از توان و اندیشه خود در راه خدمت به مردم و پیشبرد

امور و نیازهای مردم استفاده کرد. شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی خلق خدا را خانواده خدا می‌دانست و خدمت به خلق خدا را خالصانه و برای رضای اوانجام می‌داد .

● ۶- شهادت

عاشق با تمام وجود یاد معشوق خویش را در این دنیا همراه داشته است. در گفتار و کردار و اخلاق جانب محبوب را رعایت کرده و نفسی بی یاد او نکشیده است. برای بودن با معشوق و همراهی او به بذل جان راضی بوده و هر قدم که برمی‌داشته به سوی کوی او نظر داشته است. اینک این جهان دنیوی برای عاشق به سر آمده است. آیا در زندگی ابدی فراق معشوق نصیب او خواهد شد؟ در آن لحظات غربت و تنهایی و ترک دیار فانی و آغاز سفر به دیار باقی که ترس آن لرزه بر اندام می‌اندازد، عاشق درخوشی و آرامش است که آن لحظه برای او بوی آشنایی دارد و اثری از غربیی و غربت نیست. معشوق می‌آید و عاشق با نظاره‌ای بر رخ او جان خویش را تسلیم می‌نماید. اصلا بنای معشوق بر دستگیری و رسیدگی به عاشق بوده است. حال چه زمانی، نیازمندتر از لحظه‌ی جان دادن ذات اقدس الهی مشتری جان و مال مؤمنان است و از غیر مؤمن کالا نمی‌خرد. مؤمن که خودش پاک و دارایی‌اش نیز به تبع او پاکیزه است. مؤمنانی همچون شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی که از فروشندگان جان و مال خود به خدا بودند طبق آیه ۱۱۲ سوره توبه با نه صفت بارز به شرح زیر معرفی شده اند: مؤمنان همان افراد توبه کننده از غیر خدا بسوی او و عبادت کنندگان شاکری هستند که کمال عبادت را به جای می‌آورند و ستایش کنندگانی هستند که همواره زبانشان به حمد الهی گویاست و نهایت سپاس را بجای می‌آورند و سیر کنندگانی هستند که همواره با گام‌های خود از این مسجد به آن منبر و محفل دینی می‌شتابند و رکوع کنندگان و سجده کنندگانی هستند که با بدن و جوارح خود در مقابل حق خضوع می‌کنند و این اوصاف ایشان در حالت انفراد است، اما از نظر اجتماعی آنها مانند نگهبانان مراقب و هوشیاری هستند که اجتماع خود را با امر به معروف و نهی از منکر از انحراف باز می‌دارند و سعی میکنند حافظ حدود شرایع الهی باشند و چه در آشکار و یا نهان و چه بطور فردی یا جمعی هرگز از آن حدود تجاوز نمی‌کنند. شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی باید زخمی میشد و خونین بال به میهمانی خدا میرفت و باید نقش خوش وصل را با هنر شهادت در تاریخ جاودانه می‌ساخت.



هوش مصنوعی و فرآیند یاددهی و یادگیری

نسرین سعادت

کارشناسی آموزش ابتدایی



این روزها در هر محفل و محیط کاری نام هوش مصنوعی به گوش می‌خورد. با توجه به ماهیت این ابزار، میتوان اولین اثرات آن را در حوزه آموزش و یادگیری مشاهده کرد. طبق پیش‌بینی‌ها، تا سال ۲۰۵۵ حداقل نیمی از فعالیت‌های امروزی، توسط ماشین‌ها و هوش مصنوعی انجام خواهند شد. از آنجایی که آموزش و پرورش هم متأثر از این تکنولوژی خواهد بود، برای بسیاری این نگرانی ایجاد شده که آیا هوش مصنوعی جایگزین معلمان می‌شود؟ آیا باید با هوش مصنوعی مقابله کرد یا نگران پیشرفت آن بود؟ به گفتن همین نکته در اینجا بسنده می‌کنیم که هوش مصنوعی نه تنها مسیر اشتغال معلمان را پر نمی‌کند، بلکه کاربردهای فراوانی در جهت ارتقای آموزش دارد. کافی است نحوه بهره گرفتن از این تکنولوژی را بدانیم و از آن برای افزایش بهره‌وری و سرعت در طراحی و اجرای سیستم آموزشی استفاده کنیم. هوش مصنوعی جدیدترین و پرسر و صداترین تکنولوژی عصر حاضر است. بسیاری از افراد با ورود این تکنولوژی، نسبت به وضعیت مشاغل خود و جایگزین شدن با هوش مصنوعی نگران هستند. این موضوع بخشی از دغدغه معلمان مدارس، معلمان خصوصی و هرکسی است که در حوزه آموزش فعالیت می‌کند. تاثیرگذاری معلمان در زندگی هر دانش‌آموز، تنها وابسته به اطلاعات دریافتی نیست. ارتباطات انسانی، مشاهده کردن و همسان سازی در فرایند رشد و تکامل مهارت‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموزان طی تحصیل نقش بسیار مهمی دارند. بنابراین شاید روزی برسد که هوش مصنوعی به عنوان معلم‌یار در کنار آموزگاران قرار بگیرد، اما تحلیل افراد مختلف فعال در حوزه تکنولوژی، حاکی از غیر قابل جایگزین بودن معلم و سیستم آموزش انسانی با ربات‌ها است. اما همچنان میتوان از افق‌های جدیدی که هوش مصنوعی در اختیارمان قرار داده، در راستای افزایش سرعت و کیفیت آموزش‌ها بهره برد. هوش مصنوعی در حوزه های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این حوزه‌ها عبارتند از: پزشکی، علوم هوافضا، اکتشافات، تسلیحات نظامی، پیش‌بینی وضع هوا، نقشه‌برداری و شناسایی عوارض، تشخیص صدا، تشخیص گفتار، تشخیص دست خط، بازی‌ها و نرم‌افزارهای رایانه‌ای. هوش مصنوعی، شاخه‌های متنوعی دارد، از جمله شبکه‌های عصبی مصنوعی، پردازش تصویر و بینایی ماشین، الگوریتم‌های تکاملی، سیستم‌های خبره، یادگیری ماشین، داده کاوی، پردازش زبان طبیعی، بازشناسی گفتار و بسیاری از حوزه های دیگر. «مدرسه قوی، ایران قوی» یک گفتمان کنشگرانه، پیشگیرانه و پیش‌بینانه است.

یعنی به جای آنکه در اندیشه رفع بیکاری از فارغ التحصیلان دانشگاهی باشیم، دانش‌آموز را به گونه‌ای باید تربیت کنیم که بیکار نماند و به جای آنکه در نگرانی حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی باشیم، دانش آموزان را به گونه‌ای بار بیاوریم که اساسا دچار آسیب اجتماعی نشوند. راز قوی شدن مدرسه، داشتن برنامه آموزشی قوی است که چند مولفه دارد. معلم، کتاب، فضای مدرسه و مسائل دیگر از ارکان و مولفه‌های آموزش قوی هستند. مدرسه، نقطه اتکای ملت و دولت و کانون تربیت محله است. مدرسه‌ای که سند تحول بنیادین می‌خواهد توسط آموزش و پرورش ساخته نمی‌شود بلکه توسط دولت و مجلس ساخته می‌شود و اگر مدرسه تراز سند تحول ساخته شود، دیگر نیازی به کمپ ترک اعتیاد و مقابله با آسیب‌های اجتماعی نداریم و هر چه برای ساختن مدرسه تراز سند تحول کم بگذاریم در مقابله با آسیب‌های اجتماعی باید هزینه کنیم. سند تحول بنیادین میثاق ملی است و برای همه دستگاه‌ها و نهادها تکلیف دارد و وظیفه آموزش و پرورش، نهادینه کردن آن است. تمام دستگاه‌ها تکلیف دارند و باید بدانند هر چه برای اجرای سند تحول بنیادین، کار کنند به همان میزان در آینده ایران برنامه‌ریزی کرده‌اند. هوش مصنوعی یکی از فناوری‌های پیشرفته‌ای است که در سال‌های اخیر در حوزه‌های مختلف زندگی انسانی جای گرفته و تغییرات چشمگیری را به وجود آورده است. یکی از حوزه‌هایی که هوش مصنوعی می‌تواند تاثیرگذار باشد، حوزه آموزش و پرورش است. با استفاده از تکنولوژی‌های هوش مصنوعی، میتوان بهبود در فرایند آموزش و یادگیری دانش‌آموزان ایجاد کرد. یکی از استفاده‌های مهم هوش مصنوعی در آموزش و پرورش، سفارشی سازی آموزش است. با استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی، محتوای آموزشی به نیازهای و توانایی‌های هر دانش‌آموز تطبیق داده میشود. این امر باعث میشود که هر دانش‌آموز بر اساس سطح دانش و توانایی‌هایش بهینه‌تر یاد بگیرد. همچنین، هوش مصنوعی میتواند به معلمان و مدیران آموزشی کمک کند تا فرایند مدیریت کلاس‌ها و مدارس را بهبود بخشند.

● **تعریف آموزش و پرورش از دیدگاه فیلسوفان**

ارسطو می‌گوید: آموزش و پرورش به وجود آوردن عقل سالم در بدن سالم است که این همان زندگی کامل است.

افلاطون می‌گوید: آموزش و پرورش کامل کردن احساس است در لحظه مناسبت و پرورش می‌دهد همه زیبایی و کمالی را که لایق آن است.

سقراط می‌گوید: آموزش و پرورش یعنی شکوفا نمودن استعدادهایی که در ذهن هر انسانی نهفته است.

جان دیویی می‌گوید: آموزش و پرورش دوباره ساختن یا سامان دادن تجربه است که هدایت و کنترل تجربیات بعدی، فرد را بهتر می‌سازد.

● **تاریخچه هوش مصنوعی**

اگر بخواهیم تاریخچه هوش مصنوعی را مرور کنیم، احتمالا باید به سال ۱۷۷۰ بازگردیم. زمانی که یک مهندس شطرنج باز نابغه به نام ولفگانگ فان کمپلن، ماشینی را برای انجام بازی شطرنج اختراع کرد که میتوانست با توجه به شرایط بازی و نحوه چیدمان مهره‌ها، مانند یک انسان بدون راهنمایی هیچ فرد دیگری، به تنهایی دست به انتخاب بزند و با اهرم‌هایی که آقای کمپلن طراحی کرده بود، مهره‌ها را جا به جا کند. از همان زمان بود که موضوع هوش مصنوعی در جهان ما کلید خورد، و از آن زمان تاکنون ذهن‌های زیادی را به خود مشغول داشته است. اما واژه هوش مصنوعی برای اولین بار در سال ۱۹۵۶ توسط آقای مک کارتی، دانشمند آمریکایی در کنفرانس دارتموث بیان شد و همین امر، موجی از تحقیقات و پژوهش‌ها در خصوص این پدیده را به همراه آورد. به طوری که سالیان ۱۹۵۶ تا ۱۹۷۴ را در زمره سال‌هایی طلایی برای هوش مصنوعی به شمار می‌آورند. اکثر تعریف‌هایی که در این زمینه ارائه شده‌اند بر پایه یکی از ۴ باور زیر قرار می‌گیرند:

۱) سیستم‌هایی که به طور منطقی فکر می‌کنند

۲) سیستم‌هایی که به طور منطقی عمل می‌کنند

۳) سیستم‌هایی که مانند انسان فکر می‌کنند

۴) سیستم‌هایی که مانند انسان عمل می‌کنند.

● **هوش مصنوعی در فرایند آموزش**

هوش مصنوعی یک قابلیت است که امروزه در قالب ابزارهایی مانند GPT Chat, Google MusicLM, ChatSoni و Chinchilla استفاده میشود. این ابزارها در حوزه‌های مختلف مانند تولید محتوا، برنامه نویسی، ساخت ویدیو، یادداشت برداری، تهیه اسلاید آموزشی، تولید تصاویر دلخواه و تحلیل داده‌ها به متخصصان کمک می‌کنند. آموزش نیز از این حوزه‌ها مستثنی نیست و میتوان فرایندهای بسیار پیچیده تدریس را با کمک آن سر و سامان داد. در چند سال اخیر دانش‌آموزان و معلمان به دلیل همه‌گیر، با انواع نرم‌افزارهای آموزشی و برگزاری آنلاین کلاس‌ها آشنا شدند.

● **مزایا و معایب استفاده از هوش مصنوعی در آموزش**

طبیعتا هر تکنولوژی به دنبال نیاز و کمبودی به وجود آمده است. هوش مصنوعی نیز برای معلمان و حتی دانش‌آموزان، مسیری برای دستیابی به امکانات متعدد فراهم می‌کند و مزایای بسیاری دارد:

● دسترسی دائمی به یک سیستم آموزش و یادگیری مبتنی بر پرسش و پاسخ

● شخصی‌سازی کردن و سازگاری روش‌های آموزشی برای دانش‌آموزان

● کاهش فشار کاری بر معلمان

● افزایش سرعت در طراحی روش‌های تدریس یا تحلیل اطلاعات

● توانایی بالا در تعامل با دانش‌آموزان کم توان

● طراحی سیستم آموزش، تدریس و ارزیابی مختص شرایط ویژه مثال (دانش‌آموزان دچار اختلال یادگیری)

● کاهش نیاز به متخصص بودن معلمان در زمینه‌های متنوع و جلوگیری از اتلاف هزینه و انرژی

● شناسایی خلأهای آموزشی

● ایجاد محتواهای چند رسانه‌ای جذابتر و غنی کردن آموزش با سرعت بالاتر

● **اما به موازات همه این فواید، شاید بتوان به معایب یا مشکلات زیر نیز اشاره کرد:**

● احساس بی‌نیازی دانش‌آموز به معلم و کلاس

● استفاده دانش‌آموزان از هوش مصنوعی در پاسخ به تمرینات

● ضعیف بودن هوش مصنوعی در زبان فارسی

● کاهش توانمندی‌ها و مهارت‌های مختلف

● اعتیاد آور بودن استفاده از هوش مصنوعی در آموزش

● کاهش ارتباطات اجتماعی و انسانی

● **یادگیری شخصی‌سازی‌شده**

هوش مصنوعی با تحلیل و تجزیه عملکرد افراد و تطبیق برنامه درسی و محتوایی با نیازها و علایق آنها، این امکان را برای هر فرد فراهم میکند که فرایند یادگیری منحصر به فرد خود را داشته باشد. سیستم‌های آموزشی مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند در حین آموزش، بازخورد و راهنمایی‌های مخصوص هر فرد را در اختیار دانش‌آموزان و دانشجویان قرار داده و با بررسی دقیق عملکرد یادگیرندگان، راهنمایی‌هایی را در جهت

بهبود فرایند یادگیری هر شخص به او ارائه دهند. هوش مصنوعی و افزایش عدالت آموزشی

توسعه جهان امروز هیچگاه به صورت متوازن نبوده است. دانشگاه‌ها و مدارس بزرگ و پر از امکانات در مناطقی از دنیا با اقتدار خودنمایی می‌کنند و این در حالی است که بسیاری از مناطق از امکانات اولیه آموزش محروم هستند و کودکان و نوجوانان بسیاری در این چرخه شاهد به ثمر نرسیدن توانمندی‌ها و استعدادهای خود هستند. هوش مصنوعی این توانایی بالقوه را دارد که به بسیاری از چالش‌های در نظام آموزشی امروز رسیدگی کرده و شکاف‌ها را از میان ببرد. سازمان یونسکو در پی آن است تا با استفاده از پتانسیل‌های هوش مصنوعی به سمت برابری آموزشی حرکت کند. یونسکو به دنبال رویکردی است تا نابرابری‌های کنونی در دسترسی به دانش و تحقیق را در بین فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف از بین ببرد. این سازمان می‌خواهد مطمئن شود هوش مصنوعی باعث افزایش شکاف‌های فناوری و آموزشی بین مناطق مختلف نمی‌شود. وعده «هوش مصنوعی برای همه» باید بتواند نابرابری‌ها را از بین ببرد.

● **چرا در آموزش از هوش مصنوعی استفاده کنیم؟**

در حال حاضر بسیاری از روندهای آموزشی با مشکلاتی روبه رو است. مشکلاتی مانند در نظر نگرفتن تفاوت افراد، تمرین کردن بر اساس ضعف‌ها، پیدا کردن استعدادها و... باعث بی‌علاقه شدن بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان به آموزش می‌شود. هوش مصنوعی با استفاده از فناوری‌های متفاوت میتواند معلمان، اساتید و مدیران آموزشی را از این مشکلات آگاه کرده و برای آن به صورت دقیق راه حل ارائه دهد. کشورهای پیشرفته در حال تلاش هستند تا در بخش زیادی از فضای آموزشی خود از هوش مصنوعی استفاده کنند. از طرفی وقت و توان معلمان و مدیران آموزشی برای تعداد زیادی دانش‌آموز کافی نیست و آنها نمی‌توانند برای تک تک دانش‌آموزان فرصت زیادی را در نظر بگیرند اما با استفاده از هوش مصنوعی میتوان تحول عظیمی در صنعت آموزش ایجاد کرد.

● **اهمیت آشنایی معلمان با ابزارهای هوش مصنوعی**

آشنایی و تسلط معلم به ابزارهای هوش مصنوعی در کلاس می‌تواند باعث افزایش کارآمدی و کیفیت آموزش خواهد شد. قطعا دانش‌آموزان آینده، عاشقان تکنولوژی خواهند بود و اطلاعات بالایی در این زمینه خواهند داشت. اگر معلمی بخواهد ارتباط مثبت با دانش‌آموزان خود برقرار کند باید اطلاعات بروز داشته باشد. ابزارهای هوش مصنوعی قادرند به طور دقیق‌تر روند یادگیری هر دانش‌آموز را تحلیل کنند و برنامه‌های آموزشی شخصی سازی شده را ارائه دهند. با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی، معلمان می‌توانند نیازهای آموزشی دانش‌آموزان را پیش بینی کرده و برنامه‌های آموزشی مطابق با آن‌ها را طراحی کنند.

● **منبع:**

ابوطالبی، سمیه، بررسی اهمیت موضوع هوش مصنوعی به عنوان تحولی نوین در آموزش و پرورش

حاجی‌زاده، مهدی و خرم روز، سهیلا و بخشیان فرح‌آبادی، نسیم و بهرامی، مهسا، هوش مصنوعی و فرآیند یاددهی و یادگیری



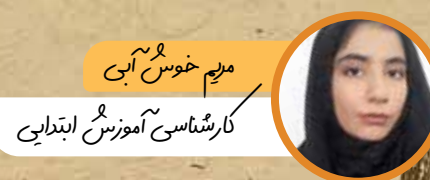
دوره‌ی کودکی در شکل‌گیری شخصیت کودک نقش به سزایی دارد و این خود اهمیت آموزش و پرورش ابتدایی را نشان می‌دهد. شخصیت، رفتار و راه و رسم زندگی در سنین کودکی شکل می‌گیرد و تعلیم و تربیت در این سنین حساس باید به دست ماهرترین معلمان سپرده شود. حقیقت است که صرفاً داشتن مهارت تعلیم و تربیت بدون فراگیری علم آن میسر نخواهد بود. از این جهت، بر آن شدیم که نگاهی کوتاه بر آموزش و پرورش و اجزا و مفاهیم داشته باشیم.

● آموزش و پرورش

«آموزش و پرورش عبارت است از فرایند هدایت و جهت‌دهی عمدی تجارب انسان (امیرحسین آریان‌پور)»

«تربیت دارای سه جنبه آموزش، پرورش و بار آوردن است. آموزش، سپردن دانستنی‌ها به دیگران است. پرورش، شکوفاندن و به کار آوردن توانایی‌های درونی و استعدادها‌ی طبیعی است. بار آوردن، پدید آوردن دگرگونی‌های معینی است که ما آن را هدف می‌شماریم. (میرعبدالحسین نقیب زاده)»

آموزش و پرورش فقط منحصر به مدرسه و آموزش دروس خاصی نیست بلکه در مواردی مانند کارآموزی، اجتماعی کردن و... نیز به کار می‌رود.



مریم خورشیدی
کارشناس آموزش ابتدایی

سیاحت ۳۰ دقیقه‌ای در دنیای آموزش و پرورش

● تفاوت آموزش و پرورش

پرورش در یک مدت طولانی رخ می‌دهد، اما آموزش به کارهای مشخصی گفته می‌شود. هدف اصلی باید پرورش باشد، آموزش هم وسیله‌ای است که هر وقت موضوع پرورشی باشد این موضوع به کمک آموزش انجام گیرد.

چرا که بین آموزش و پرورش پیوستگی خاصی وجود دارد که بدون آموزش، پرورش رخ نمی‌دهد. این دو مفهوم مثل تاروپود به همدیگر وصل می‌باشند و از هم جدا نمی‌شوند. آموزش به‌وسیله معلم یا مربی و در جای ثابتی مثل کلاس رخ می‌دهد. اما پرورش به وسیله عواملی مثل مدیر، والدین، دوستان و ... رخ می‌دهد.

آموزش افراد را برای کارهای آینده آماده سازی می‌کند ولی پرورش افراد را برای کارهای حال آماده می‌کند. پرورش استعدادها‌ی موجود را شکوفا می‌کند در حالی که آموزش براساس مفاهیم شناخته شده فرد را تغییر می‌دهد.

یا به زبان ساده‌تر آموزش یعنی یاد دادن، تعلیم. پرورش یعنی رشد و تربیت در آموزش توانایی‌ها و دانستی‌های فرد بالا می‌رود و در پرورش قدرت استفاده از این توانایی‌ها نمود پیدا می‌کنند. در نتیجه هیچ پرورشی بدون آموزش امکان پذیر نیست. هر دو در کنار هم یکدیگر را پوشش می‌دهند.

● اهداف آموزش و پرورش چیست؟

اکثریت مردم هدف اصلی آموزش و پرورش را آموزش و سواد آموزی (خواندن و نوشتن) می‌دانند. که این یکی از هدف‌های اصلی و مهم آموزش و پرورش به حساب می‌آید. اما تنها هدفش نیست؛ هدف‌های مهم تر از سوادآموزی در آموزش و پرورش هست که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. فراهم آوردن زمینه‌ی برای خودشناسی و تقویت اعتقادات اسلامی، خداشناسی
۲. شناخت رازهای آفرینش و طبیعت
۳. آموزش فرهنگ، آداب و سنت‌های میهن ایران
۴. آموزش مهارت‌های لازم برای شغل‌های در بخش کشاورزی، تولید، خدمات و صنعت کشور
۵. پرورش استعدادها‌ی روحی و جسمی، پرورش اعتماد به نفس بالا، تهذیب نفس
۶. پرورش رشد اخلاقی و عقلانی، رفتاری و حتی جسمانی فرد.

● تاریخچه‌ی آموزش و پرورش

ایرانیان در طول تاریخ همواره تربیت و اخلاقیات را به عنوان باارزش‌ترین خصوصیات یک فرد برمی‌شمردند. در آغاز، تربیت و آموزش بر مبنای اصولی اولیه زندگی، طبیعت و جغرافیای محیط انجام می‌گرفت. به تدریج در قرون مختلف به وسیله‌ی اوضاع و شرایط کشور و حکومت‌ها و قوانین مختلف شیوه آموزش پرورش دستخوش تغییراتی شد. آموزش و پرورش از طریق این تحولات به عنوان سرمنشاء فرهنگ یک جامعه قرار گرفت که به وسیله‌ی آن می‌توان خلأیت نهفته در یک کشور را شکوفا کرد.

● تاریخچه آموزش و پرورش در ایران باستان

تاریخچه آموزش و پرورش در ایران به عصر باستان و قوم آریایی برمی‌گردد. باستان‌شناسان در آثار به جا مانده از تخت جمشید، آثاری یافته‌اند که نشان می‌دهد پسران از کودکی به یادگیری خط میخی پارسی می‌پرداختند؛ چون ایرانیان بر این باور بودند که دانش و ادب هر فرد، صفات و کردار نیک را به دنبال خواهد داشت. در آن زمان تنها کاتبانی که نزد شاهان مشغول ثبت فتوحات و کشورگشایی‌ها بودند از خط و نوشتار بهره می‌بردند. اهداف آموزش در ایران باستان سیاسی، جنگی، دینی و اخلاقی، اقتصادی و نیرومندی بود.

● تاریخچه آموزش در اسلام

با ورود اسلام به ایران سیستم آموزشی تحت تاثیر آموزه‌های اسلامی قرار گرفت و زبان عربی در بین مردم آن زمان رواج یافت و کتاب‌های پهلوی نیز به زبان عربی ترجمه شدند. خواجه نظام الملک نخستین مدرسه را در بغداد بنا نهاد. تا پیش از آغاز مکان‌هایی مانند مکتب‌خانه‌ها، کاخ‌ها، خانه‌های دانشمندان، بیابان (بادیه) و مسجد برای آموزش و تدریس بهره می‌بردند.

● آموزش

به مجموعه کارها و فعالیت‌هایی گفته می‌شود که از اهداف آن می‌توان به یادگیری مطالبی معین تحت یک دستورالعمل آموزشی اشاره نمود. مهارت و قابلیت‌های فرد را بالا برده و با پرورش قدرت تفکر او را در جهت تعالی و پیشرفت هدایت خواهد کرد.

اهدافی که فعالیت‌های آموزشی از آن پیروی میکنند عبارتند از: اهداف واحدهای درسی، اهداف عمومی، اهداف نظام مدارس محلی، اهداف منطقه‌ای و اهداف ملی.

اکثر نظریه‌پردازان بر این باورند که چهار جزء آموزگار، دانش آموز، موضوع درسی، گروه اجتماعی و محیط ارتباطی آنها از جمله ارکان اساسی آموزش به شمار می‌روند.

● تدریس

تدریس مجموعه اقداماتی است که توسط معلم، به منظور تسهیل یادگیری در یادگیرندگان به انجام می‌رسد. تدریس هنری است که هر کسی ممکن است نتواند از چنین هنری بهره ای کافی داشته باشد و امری شخصی است و برای آن نمیتوان قاعده‌ی مشخصی تعیین کرد.

پالمر این چنین می‌گوید: (لازمه‌ی تدریس این است که جرئت داشته باشیم و هویت خود را کشف کنیم. اگر خود را کامل نشناسیم دانش‌آموزان خود را نیز نخواهیم شناخت. بنابراین نمی‌توانیم با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم و ادامه می‌دهد چارلی پاکر نوازنده جاز چه خوب می‌گوید که اگر موسیقی را نشناسید هرگز از ساز شما نوای دل‌انگیزی بیرون نخواهد آمد.)

شخصیت معلم در تدریس بروز می‌کند، همچنین عملکرد او به اندازه گفتار آن دارای اهمیت بسیاری است.

● الگوی روش تدریس

روش تدریس مجموعه فعالیت‌ها و مراحل تجربی است که برای رسیدن به هدف معین انجام می‌شود.

الگوهای تدریس در چهار خانواده‌ی اصلی تقسیم‌بندی می‌شوند:

الف) خانواده الگوهای اجتماعی: روش آزمایشگاهی، ایفای نقش، مطالعه اجتماعی و ...

ب) پردازش اطلاعات: تفکر استقرایی، کاوش علمی، پیش سازمان‌دهنده و ...

ج) خانواده الگوهای انفرادی: خود شکوفایی، ملاقات کلاسی و ...

د) سیستم‌های رفتاری: شبیه‌سازی، یادگیری اجتماعی و ...

برقراری تعادل در فرایند آموزش بسیار مهم است. اگر تمام بار تدریس روی دوش معلم باشد یا برعکس همه مسئولیت یادگیری بر عهده دانش‌آموزان قرار بگیرد، نتیجه‌ی حاصل با نقطه مطلوب فاصله بسیار زیادی خواهد داشت.

روش تدریس بر یادگیری تأثیراتی از قبیل سرعت یادگیری، ماندگاری آموخته‌ها، تقویت انگیزه دانش‌آموزان، مسئولیت‌پذیری و اعتماد به نفس دانش‌آموزان و کارگروهی و تعامل دانش‌آموزان دارد.

● بهترین روش تدریس دارای خصوصیات می‌باشد:

- برنامه تدریس با توجه به امکانات تهیه و تنظیم شود.
- شرایط سنی دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرد.
- تفاوت‌های دانش‌آموزان به رسمیت شناخته شود.
- دامنهی خلاقیت دانش‌آموزان محدود نشود.
- دانش‌آموزان آزادی عمل داشته باشند.
- فرصت کافی برای اجرای برنامه‌های مورد نظر دانش‌آموزان مهیا شود.
- آموزش و یادگیری محدود به کلاس درس نباشند.

● در یک طبقه بندی کلی روش تدریس‌ها به دو دسته‌ی فعال و غیرفعال تقسیم می‌شوند.

منظور از روش تدریس غیرفعال این است که آموزش به صورت یک سو به در جریان باشد؛ مانند روش تدریس سخنرانی. اما در روش تدریس فعال دانش‌آموزان نیز در چرخه آموزش مشارکت دارند تا یادگیری بهتر اتفاق بیفتد؛ مانند روش تدریس ایفای نقش، بحث گروهی، آموزش به همکلاسی‌ها و روش تدریس پروژه.

● اصول کلی آموزش

هدف‌های آموزش طیف وسیعی را شامل می‌شوند، روش‌های آموزشی معلم هم باید متناسب با هدف‌های آموزش متنوع و گوناگون باشد. اصول کلی آموزش به طور خلاصه این چنین است:

۱. یادگیرنده باید قبل از یادگیری هر مطلب جدید، پیش‌نیازهای ویژه‌ی آن مطلب را آموخته باشد و معلم دانش‌آموز را آماده

کرده‌باشد.

انگیزش یا علاقه به موضوع درس، بر یادگیری آن موضوع تأثیر مثبت دارد.(ر.ک. به کتاب ویژگی‌های آدمی و یادگیری آموزشگاهی، تالیف بلوم، ترجمه‌ی سیف ۱۳۶۳).

۲. یادگیری از طریق فعالیت‌های خود یادگیرنده صورت می‌پذیرد نه از راه گفته‌های معلم.

۳. بهتر است در مراحل مقدماتی یادگیری، دانش‌آموزان را در انجام رفتارهایی که می‌خواهند فرا گیرند کمک و راهنمایی کرد و به تدریج از این کمک کاسته شود تا آنها بتوانند به طور مستقل به انجام دادن تکالیف یادگیری خود بپردازند.

۴. باید توجه داشت که افراد دارای تفاوت‌هایی هستند، آموزش معلم باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان بتوانند با سرعت متناسب با توانایی‌های خود پیش بروند. در این بین دانش‌آموزانی هستند که نیاز به توجه و کمک بیشتری از سوی معلم دارند و لازم است تکالیف و تمرین بیشتری انجام دهند تا به هدف مورد نظر برسند.

۵. فعالیت‌های آموزشی معلم باید متنوع و فراوان باشند تا علاقه‌ی دانش‌آموز برانگیخته شود. معلم باید بداند نقش او تنها توزیع دانش و معلومات نیست، وظیفه‌ی مهم او اداره تجارب آموزشی و هدایت فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان است.

۶. معلم باید فرصت تمرین و تکرار را در اختیار یادگیرندگان قرار دهد و به تمرین آن‌ها بازخورد دهد تا با رفع مشکل پیشرفت اتفاق بیافتد.

۷. موضوعات درسی را باید مرحله به مرحله از آسان به پیچیده و دشوار پیش برد.

● طراحی آموزشی

طراحی آموزشی فرایند پیش‌بینی روش‌ها براساس هدف‌ها در شرایط معین است. به عبارت دیگر الگوی طراحی آموزشی، عناصر مختلف آموزش را با هم تلفیق می‌کند تا به صورت یکپارچه فعالیت کنند و به طور موثر به هدف دست یابند. (نوروزی و رضوی، ۱۳۹۰)

معروف‌ترین انواع طرح درس، طرح درس‌های سالانه و روزانه هستند. تحلیل، هدف، محتوا، طراحی پیام، رسانه و مواد آموزشی و ... از عناصر مهم طراحی آموزشی به حساب می‌آیند. این فعالیت مزایایی مانند استفاده بهینه از زمان، یادگیری موثر و ... و محدودیت‌های مانند نگرش منفی نسبت به اقدامات و ... دارد.

● آموزش غیررسمی

آموزش غیررسمی سیستمی از آموزش و پرورش است که توسط دولت اداره و حمایت نمی‌شود. این آموزش نیاز به هیچ‌گونه مجوزی ندارد و کلاس مدار نیست. این آموزش نیز مانند آنچه در آموزش رسمی برگزار میشود سازمان یافته یا ساختار یافته نیست.

اطلاعات، دانش‌ها و مهارت‌های مربوط به حوادث رادیو، تلویزیون، فیلم، بزرگان، همسالان و والدین به عنوان آموزش غیررسمی طبقه‌بندی می‌شوند. این نوع آموزش از آن جهت

حائز اهمیت است که به کودک کمک می‌کند تا با روش‌ها و سنت‌های جامعه رشد و سازگار شود و او یاد می‌گیرد که به شیوه بسیار بهتری با محیط سازگار شود.

● آموزش رسمی

آموزش رسمی آموزشی است که دارای ساختار، هدف، برنامه‌ریزی، روش‌های تدریس و ضوابط پذیرش می‌باشد و داخل نظام آموزش و پرورش رسمی کشور صورت می‌پذیرد. ضوابط پذیرش در آموزش رسمی بسیار محکم و غیر قابل تغییر می‌باشد.

همچنین در آموزش رسمی معلم باید دارای مدرک تحصیلی باشد یعنی ضوابط خاص و از پیش تعیین شده‌ای برای معلم این دوره‌ها مشخص شده، در حالی که در آموزش غیررسمی، لزوماً معلم دارای مدرک ثابت و مشخصی نیست. آموزش‌های رسمی بیشتر جنبه نظری دارند در حالی که آموزش‌های غیر رسمی، بیشتر کوتاه مدت و مهارت محور هستند.

روانشناسی در آموزش (روانشناسی تربیتی)

مطالعه‌ی موضوعات مربوط به روانشناسی تربیتی به معلمان کمک می‌کند تا با نظریه‌های بنیادین در زمینه آموزش و یادگیری آشنا شوند و با به کارگیری این نظریه‌ها در کلاس درس، محیط یادگیری اثربخشی را برای شاگردان خود فراهم کنند. روانشناسی تربیتی به معلم این کمک را می‌کند تا مراحل رشد و تکامل و نیازهای دانش‌آموزان، آشنایی با تفاوت‌های فردی، شناخت فرآیند یاددهی یادگیری و ... را در هر یک از این مراحل به خوبی شناسایی کند.

● یادگیری

یادگیری فرایندی مادام‌العمر و مداوم برای تبدیل و تغییر اطلاعات و تجربه به دانش، نگرش‌ها، مهارت‌ها، رفتارها، ارزش‌ها و ترجیحات جدید است. همه این موارد از طریق

مطالعه، تجربه یا آموزش به دست می‌آید. آموزش و یادگیری هر دو از جنس فراگیری هستند، با این تفاوت که آموزش جنبه نظری و یادگیری جنبه عملی دارد.

به گفته‌ی دیگر آموزش «دانش افزا» و یادگیری «توانش افزا» است.

در حال حاضر نظام آموزشی ایران بر اغلب بر آموزش تاکید دارد، در حالی که انسان امروزه به یادگیری نیاز اساسی‌تری دارد. افراد زیادی معتقدند آموزش دیدن برای معلم بودن و فعالیت در حیطه آموزش و پرورش، از آن‌جا که کلاس درس محیط پویا و زنده‌ای است فایده‌چندانی ندارد. چرا که وقایعی که در کلاس درس رخ می‌دهد از جنس اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد و ما در این محیط، نه با مواد و قوانین از پیش تعیین شده، بلکه با انسان سر و کار داریم. حقیقت آن است که معلمان بیشتر از هر قشر دیگری باید همگام با تحصیلات آکادمیک باشند، چرا که باید از اطلاعات و دانش روز مطلع شوند و یک قدم از جامعه زمان خود جلوتر باشند. تا بدانند که باید دانش‌آموزان را برای چه جامعه‌ای آماده کرد. علاوه بر این، بخشی از آموزش معلمان خارج از محدوده تحصیلات آکادمیک اتفاق می‌افتد. مطالعه، یادگیری مهارت‌ها و ... باعث می‌شود معلم در کلاس درس فردی تأثیرگذار باشد؛ و در جایگاه حسن ختام باید یادآور شد معلمان خوب یادگیرنده مادام‌العمر هستند.

کتاب «استادان استادان چه کردند؟» از مسعود فراستخواه از کتاب‌هایی است که باید در لیست مطالعه معلمان قرار گیرد.

● منابع

www.noormags.ir
www.budget.scu.ac.ir
www.avali.ir
www.academy.ostadbank.com



تربیت تمام‌ساختی معلمین

فاطمه مقصودی

کارشناسی آموزش ابتدایی



چکیده:

از آن جایی که سند تحول بنیادین مهم‌ترین سند راهبردی آموزش و پرورش است، برای شناخت جایگاه پژوهش در آموزش و پرورش باید بندهای مرتبط با پژوهشگری در این سند را بررسی نمود. سند تحول بنیادین در راهکار ۱۱/۷ به توسعه زمینه پژوهشگری، ایجاد فرصت‌های بازآموزی مستمر علمی و تحقیقاتی و مطالعاتی و اختصاص اعتبارات خاص برای فعالیت‌های پژوهشی معلمان اشاره دارد. راهکار ۱۸/۳ این سند، به ایجاد شبکه پژوهشی فعال و فراگیر در درون ساختار نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با استفاده از فناوری‌های نوین و در قالب شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات می‌پردازد. بایسته‌های متعددی در زمینه توسعه پژوهش در نظام تعلیم و تربیت عمومی کشور وجود دارد. این مقاله، به دنبال طرح تعدادی از بایسته‌ها و راهکارها برای بهبود وضعیت پژوهش در این نهاد است.

مقدمه:

به طور کلی مقوله‌ی فرهنگ در عرصه‌ی حیات اجتماعی، پدیده‌ای بسیار پیچیده و چند بعدی در نظر گرفته می‌شود و از این رو، پژوهشگران حوزه‌ی مطالعات اجتماعی و فرهنگی هر کدام بسته به دیدگاه خاص و نظرگاه ویژه‌ی خود، تعریف خاص خود را از پدیده‌ی فرهنگ عرضه نموده‌اند. به رغم اینکه در برخی از موارد، بین دسته‌ای از این تعاریف نوعی همپوشی به چشم می‌خورد، اما با وجود این امر در ادبیات مطالعات فرهنگی و مسایل اجتماعی مواردی را نیز می‌توان یافت که طی آن دیدگاه‌های بسیار متنوع، گسترده و در برخی موارد متناقض عرضه شده باشند. از این رو، هنگامی که به سراغ مقوله‌ی «سیاستگذاری فرهنگی» می‌رویم، بدون شک با میدانی پرتلاطم از آراء و اندیشه‌های گوناگون و نظرات مختلف و متنوعی روبه‌رو می‌شویم؛ چراکه میانی و پیش‌فرض‌های یک سیاستگذار فرهنگی با آن دسته از تعاریف، پیش‌فرض‌ها و میانی‌فکری سیاستگذار فرهنگی دیگر متفاوت خواهد بود. بدون شک چنین تفاوتی منجر به پیدایش سیاستگذاری‌های مختلف و متنوع و در برخی از موارد متناقض و متضاد در عرصه‌ی فرهنگ خواهد شد. در واقع، به بیان دیگر، موضوع شناخت مسأله و تعریف آن و همچنین بررسی دقیق، علمی و موشکافانه‌ی ابعاد مختلف آن به منظور حل مسأله و مشکل سیاستی در فرهنگ سیاستگذاری به مثابه‌ی نخستین گام در چرخه‌ی سیاستگذاری از همان ابتدای راه، مسیر متفاوتی را برای سیاستگذاری در عرصه‌ی مقوله‌ی فرهنگ فراهم خواهد ساخت. در نتیجه، این نگاه متفاوت در مراحل بعدی چرخه‌ی سیاستگذاری عمومی از تدوین و صورت‌بندی مسأله گرفته تا مرحله‌ی مهم و تأثیرگذار اجرای سیاست‌های فرهنگی و حتی در مرحله‌ی ارزیابی این گونه سیاست‌ها و در صورت لزوم تغییر آنان، رد پا و اثر و نفوذ خود را بر جای خواهد گذاشت. از این رو، عرصه‌ی سیاستگذاری فرهنگی را می‌توان به نوعی میدان تقابل، رویارویی و حتی نبرد اندیشه‌های متنوعی دانست که از خاستگاه و میانی معرفت‌شناختی متفاوتی برخوردارند.

یافته‌های پژوهشی:

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

این سند در راهکار ۱/۲۳ استفاده‌بهنه از ظرفیت‌های موجود برای گسترش فرهنگ تفکر و پژوهش در بین مدیران، مربیان و تأمین‌پژوهشگر مورد نیاز نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و حمایت از پژوهشگران فعال و مجرب را مورد نظر قرار می‌دهد. راهکار ۲۳/۲ اشاره به تدوین نظام جامع حمایت از پژوهشگران حوزه آموزش و پرورش و هدایت موضوعات و اهداف پژوهشی در راستای تحقق اهداف تعلیم و تربیت رسمی دارد. راهکار ۲۳/۳ سند تحول بنیادین حمایت‌های مادی و معنوی از طرح‌های موفق و نوآوری‌های تربیتی بومی، مستندسازی و انتشار یافته‌های پژوهشی در داخل و خارج از کشور و ایجاد بانک اطلاعاتی فعال و کارآمد را مورد توجه قرار می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سند تحول بنیادین به **حمایت از پژوهش** در نظام تعلیم و تربیت عمومی کشور می‌پردازد، ولی در عمل فاصله زیادی بین مفاد این سند و اقدامات انجام‌شده مشاهده می‌شود. یکی از اصول متمم برنامه ریزی آموزش پرورش اصل تغییر و تحول است. اگر قرار باشد آموزش پرورش بر اساس روند موجود پیش برود، رشد کند و توسعه یابد، دیگر احتیاجی به برنامه ریزی نیست. برنامه ریزی برای آن است که در روند موجود تغییر و تحول ایجاد کند و آن را در مسیر جدیدی قرار دهد و کمبودهای کمی و معایب کیفی آن را بر طرف سازد. سند تحول بنیادین در آموزش پرورش با اتکا به آموزه‌های قرآن، اسناد بالادستی من جمله سند چشم‌انداز بیست ساله (افق ۱۴۰۴ هجری و شمسی)، نقشه جامع علمی کشور تنظیم شده است. آموزش پرورش باید در پایان دوره به اهداف تعیین شده در سند تحول دست یابد. در این مسیر قطعاً با موانع و چالش‌هایی روبه‌رو خواهد شد. بررسی موانع و چالش‌ها عیب‌جویی نیست. همه از سیستم آموزش پرورش سهمی برده ایم و در خوب و بد آن شریک هستیم. مقصود از توجه کردن به کمبودها و نقایص این است که با آگاهی و بینش لازم در پی چاره‌باشیم و برای اصلاح آنها بکوشیم.

● ضرورت‌واهمیت برنامه معلم‌پژوهنده در تحول آموزش و پرورش

پژوهش سبب رشد علمی و فرهنگی می‌شود و انسان را از جهل و ناآگاهی به علم می‌رساند و حقایق و واقعیت‌ها را آشکار می‌کند و راه را برای حل مسایل و مشکلات پیچیده هموار می‌کند. در باره اهمیت و ضرورت پژوهش در عمل در آموزش و پرورش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مناسب‌ترین راه برای حل مسأله است. بسیاری از دست‌اندرکاران از جمله معلمان و دیگر کارکنان آموزشی می‌توانند از این راه بسیاری از مسایل مربوط به کلاس و مدرسه را کاهش یا حل کنند.
۲. نوعی آموزش ضمن خدمت است. افراد درگیر در

پژوهش، مثل معلمان و مدیران در حین پژوهش به مهارت‌ها و دانش‌هایی دست می‌یابند که قبلاً با آن آشنا نبودند.

۳. پاسخ‌گویی علمی: چون گستره وسیعی از افراد درگیر پژوهش می‌شوند، پاسخ‌گویی به مسایل موجود صورت علمی پیدا می‌کند، عوام زدگی و راه حل‌های غیرمنطقی جای خود را به راه حل‌های علمی و منطقی می‌دهد. همگان تلاش می‌کنند تا برای پاسخ‌گویی به مسایل راه علمی و منطقی پیش گیرند.

۴. دوری از نخبه‌گرایی: در این روش همه دست‌اندرکاران وارد عرصه پژوهش می‌شوند و پژوهش از انحصار افراد کارشناس و نخبه بیرون می‌آید و عمومی می‌شود.

- امروزه، توجه به امر پژوهش جهت ارتقای سطح علمی معلمان و دانش‌آموزان امری بسیار لازم و ضروری است. ضرورتی که موجب تغییر نظام آموزشی از کتاب‌محوری به پژوهش‌محوری و همچنین باعث ایجاد روش‌های علمی در فرآیند یاد‌دهی یادگیری می‌شود که در نهایت به تحول در آموزش و پرورش می‌انجامد. طرح معلم پژوهنده این تحول را تسریع می‌کند.

۵. اصلاح وضع نامطلوب: هدف اساسی در این روش اصلاح وضع نامطلوب و کاهش مسایل است.

۶. نزدیکی نظر و عمل: چون در این روش هدف نهایی بهبود و اصلاح عمل است، و هر عملی نیز بر بنیاد نظری انجام می‌گیرد، در این رویکرد بیش از دیگر روش‌ها فاصله نظر و عمل کم می‌شود.

۷. نوآوری و دانش‌افزایی: چون در این روش به دنبال حل مسأله هستیم احتمال این که به نوآوری‌هایی دست یابیم بیشتر است. به سخن دیگر، ضمن جست‌وجوی راه‌های مناسب برای حل مسأله این امکان نیز وجود دارد که پژوهنده به راه‌های نو و خلاقانه دست یابد.

● ایجاد تحول در آموزش و پرورش

یکی از اهدافی که این طرح دنبال می‌کند آن است که معلمان واحدهای آموزشی به جای اینکه فقط به یافته‌های پژوهشی پژوهشگران دانشگاهی اتکا کنند **خودشان وارد صحنه پژوهش شده** و تلاش کنند با مطالعه و تحقیق و مصاحبه و بحث و تبادل نظر با والدین بچه‌ها و دیگر همکاران و کارشناسان و صاحب‌نظران طی جلسات مختلف به گردآوری اطلاعات بپردازد و ضمن تجزیه و تحلیل اطلاعات و انتخاب راه‌های پیشنهادی و ارایه راهکارهای مختلف جهت حل مشکلات دانش‌آموزان اقدام کنند و به آنها اعتماد به نفس بدهند. در این طرح عقیده بر این است که تا خود معلمان وارد میدان پژوهشی نشوند نمی‌توانند فقط با اتکالی یافته‌های پژوهشی پژوهشگران دانشگاهی و مرسوم، تحول چشمگیری در آموزش و پرورش به وجود آورند.

● چیستی و چرایی معلم پژوهنده و پژوهش در عمل

معلم پژوهنده به هر معلم یا دست‌اندرکار آموزش و پژوهش گفته می‌شود که به نحوی با مسایل آموزشی و پرورشی سروکار دارد و علاقه مند است برای بهسازی و اصلاح وضعیت نامطلوب آموزشی، به اقدام‌هایی دست بزند تا نتیجه آن تغییر وضعیت موجود و حل برخی از مسایل آموزش و پرورش شود. پس اینجا معلم به معنی عام در نظر است و مدیران و مسؤولان امور تربیتی و مشاوران... و هر شخصی دیگری که در بدنه آموزش و پرورش مسؤولیتی به عهده دارد می‌تواند به پژوهش بپردازد.

● برنامه معلم پژوهنده در آموزش و پرورش و چالش‌های پیش روی معلمان

اقدام پژوهی در آموزش و پرورش با تمام حسن‌ها و مزایایی که دارد، دارای مشکلات و کاستی‌ها و تنگناهایی هم هست که فراروی معلمان و دیگر دست‌اندرکاران علاقه‌مند و با ذوق قرار گرفته است که اینک بنا بر موجد بودن کلام و رعایت اختصار به شمه‌ای از آنها اشاره کوتاهی می‌شود.

- پژوهشگران حرفه‌ای و ورزیده یا دانشجویانی که می‌خواهند پایان‌نامه خود رارایه دهند معمولاً با شرکت در کلاس‌های آمار و روش‌های تحقیق حضوری و نیز شرکت در همایش‌های پژوهشی مختلف و در اختیار داشتن منابع گوناگون و سیر مطالعاتی و نیز دسترسی داشتن به استادان راهنما و مشاور در امر پژوهش مهارت یافته و پخته شده‌اند؛ حال آنکه پژوهشگران اقدام‌پژوهی در آموزش و پرورش خود جوش هستند و بدون اینکه دوره‌ی خاص حضوری دیده باشند تنها به صرف علاقه و دغدغه مشکلات دانش‌آموزان به این سمت گرایش پیدا کرده‌اند. آنها با تمام گرفتاری‌ها و مشکلات فراوانی که زمانه برای آنها تدارک دیده است تلاش می‌کنند که مشکلات دانش‌آموزان را حل کنند و سپس اقدامات بهینه و حاصل‌کار خود را در قالب یک طرح پژوهشی ارایه کنند و مسلماً کمیت‌های پژوهشی و شوراهای تحقیقات و هیئت‌داوران همایش‌های پژوهشی نباید انتظاری را که ازپژوهشگران حرفه‌ای و آکادمیک دارند از پژوهشگران تازه‌کار اقدام‌پژوهی داشته باشند.
- بسیاری از معلمان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت از طرح‌ها و ایده‌های خوبی در رابطه با حل مشکلات دانش‌آموزان برخوردارند و می‌توانند با **علاقه و ذوق فراوان** به تحقیقات وسیع و گسترده‌ای اقدام کنند و در این راستا اقدامات مختلفی هم انجام داده‌اند و در کار خود هم موفق بوده‌اند، اما از این هراس دارند که گزارش‌های تحقیقی آنها مورد تأیید کمیت‌های پژوهشی و شوراهای تحقیقات قرار نگیرند و احیاناً رد شوند.

از این جهت گزارش‌های تحقیق خود را ارایه نمی‌دهند. در این خصوص کارشناسان و رابطین و مسؤولین تحقیقات

ادارات و مدیریت‌ها هر از گاهی به واحد‌های آموزشی بروند و از نزدیک با طرح‌ها و ایده‌های معلمان علاقه‌مند آشنا شوند و پژوهش‌های آنها را در هر سطحی **مورد حمایت** قرار داده و به آنها جهت‌دهی مناسب بدهند و در نظر داشته باشند که کوچک‌زیب‌است و برای رسیدن به قله‌های مرتفع باید ابتدا از تپه‌ماهورهای کوچک عبور کرد.

- نشریات تخصصی پژوهشی که در دسترس همه معلمان قرار گیرند بسیار کم است، آنچه هم هست کفایت نمی‌کند. هم‌اکنون به جز نشریات پژوهشی که در تیراژی محدود در سطح بعضی از ادارات آموزش و پرورش منتشر می‌شود، کمبود این نشریات کاملاً محسوس است. مقالات برگزیده طرح معلم پژوهنده راهنمایان خوبی برای پژوهشگران نو پا جهت تهیه و ارایه هر چه بهتر فعالیت‌ها و پژوهش‌ها هستند که باید در نشریات پژوهشی



چاپ شوند و در تیراژی وسیع در اختیار تک تک معلمان قرار گیرند.

- پژوهشگران اقدام‌پژوهی با دست‌خالی کار می‌کنند و حق الزحمه پژوهشگران برگزیده و دیگر دست‌اندرکاران امر پژوهش هم بسیار ناچیز است و صرفاً علاقه فراوان و دغدغه مشکلات دانش‌آموزان، آنها را به این سمت و سو کشانده است که مسؤولین امر باید در این خصوص توجه جدی مبذول دارند.
- کمبود منابع تحقیق یکی دیگر از مشکلات فرا روی معلمان است که به شدت احساس می‌شود. کتب و نشریاتی که جهت ادبیات پژوهش احتیاج است در دسترس همه نیست و استفاده از اینترنت هم برای همه معلمان مقدور نیست. از این جهت باید مراکز اطلاع‌رسانی فرهنگیان به صورت وسیع گسترش یابند و نرم‌افزارهای آموزشی و مجلات



می‌شد: پژوهش فقط مختص به آدم‌های دانشگاهی و دانشمندان است و هر کس نمی‌تواند پژوهش کند خط بطلان کشید. پژوهش در عمل که یکی از روش‌های تحقیق توصیفی است هر ساله بین شاغلان رسمی واحدهای آموزشی اجرا می‌شود و بر این باور بنا شده است که تا خود معلمان وارد میدان پژوهش نشوند، نمی‌توانند فقط به اتکای یافته‌های پژوهشی پژوهشگران دانشگاهی و مرسوم تحول چشم‌گیری در نظام آموزشی و پرورش به وجود آورند.

● بایسته‌ها و راهکارهای پژوهش و پژوهشگری در آموزش و پرورش

در این بخش برخی از بایسته‌ها و راهکارها برای توسعه تحقیقات در نهاد آموزش و پرورش به صورت دسته‌بندی شده مطرح می‌گردد.

بایسته‌های راهبردی:

مهمترین گام آغازین در توسعه تحقیقات در آموزش و پرورش، تدوین یک برنامه راهبردی و جامع است، که بتواند چشم‌انداز، مأموریت، اهداف و راهبردهای حوزه پژوهش در آموزش و پرورش را تعریف نموده و به اقدامات مرتبط با آن جهت بدهد. در این راستا مطالعه و بررسی نمونه‌های مشابه در نظام آموزش و پرورش سایر کشورها و الگو برداری آگاهانه از نمونه‌های موفق بسیار راهگشا خواهد بود. در همه نظام‌های پژوهشی، **نیازسنجی** پژوهشی و شناسایی اولویت‌های پژوهشی اهمیت بسیاری دارد، زیرا باعث جهت‌دادن تحقیقات فرهنگی به سمت موضوعات اولویت‌دار می‌شود. استفاده از نتایج تحقیقات پژوهشگران فرهنگی در برنامه‌ریزی‌ها دیگر راهکار راهبردی برای توسعه تحقیقات است.

راهکارهای اداری:

در حوزه تحقیقات، داشتن نگاه اداری صرف یکی از آسیب‌های این حوزه است. در مقوله پژوهش باید نگاه علمی حاکمیت داشته باشد و از نگرش محض اداری پرهیز شود. برای تحقق این امر، انتصاب افراد علاقه‌مند به

علمی پژوهشی و تألیفات و منابع اطلاعاتی در خصوص اقدام پژوهی تدارک دیده شده خود را به راحتی در اختیار همه معلمان پژوهنده قرار دهند و نیز آدرس سایت‌های پژوهشی را در اختیار کاربران پژوهشگر بگذارند تا آنها بتوانند به راحتی از آن سایت‌ها بازدید کنند.

• یکی دیگر از محدودیت‌ها و مشکلات، نداشتن امکانات رفاهی از قبیل وسایل تکتیر و چاپ است که انرژی و وقت زیادی از معلمان را به خود اختصاص می‌دهد. اکثر پژوهشگرانی که در قالب اقدام پژوهی کار می‌کنند مقاله‌های خود را نزد مراکز خدمات کامپیوتری غیر معتبر تایپ می‌کنند که اغلب پر از غلط است و نیز قسمت‌هایی حذف می‌شود که تسلسل و مفهوم گزارش را به کلی عوض می‌کند. در این خصوص ادارات آموزش و پرورش باید تسهیلاتی تدارک ببینند و در اختیار پژوهشگران علاقه‌مند قرار دهند تا آنها از این جهت دغدغه نداشته باشند.

• به منظور تشویق و ترغیب و حمایت معلمان پژوهشگر معرفی و ترویج آثار برتر آنها لازم است هر از گاهی همایش‌های اقدام پژوهی در مناطق و استان‌ها برگزار شود تا صاحبان مقالات برگزیده بتوانند آثار خود را در آن همایش ارایه دهند و مقاله‌های برتر را مورد تقدیر قرار دهند، تا معلمان پژوهشگر اعتماد به نفس بیشتری پیدا کرده و بتوانند در این مسیر گام‌های محکم‌تری بردارند و دیگران هم از یافته‌های آنها بهره ببرند.

از آنچه گذشت، این نتیجه حاصل می‌شود که آموزش و پرورش پژوهش ویژه خود را می‌طلبد که محور اساسی آن باید تغییر و تحول در کلاس و جریان یاددهی و یادگیری باشد. یکی از محورهای تحول در آموزش و پرورش که باعث تحول اساسی در نظام تحقیق و توسعه می‌شود **طرح معلم پژوهنده پژوهش در عمل یا اقدام پژوهی است**. این برنامه توانسته است سال به سال بر تعداد علاقه‌مندان خود بیافزاید و انبوه زیادی از فرهنگیان را به سوی مطالعه و تحقیق سوق دهد و بر این گفته که عنوان

و حمایت از چاپ آثار و تألیفات فرهنگیان اشاره کرد.س

راهکارهای آموزشی:

کارائی و اثربخشی پژوهشگران، تحت تأثیر دانش‌ها و مهارت‌های پژوهشی آن‌هاست. این دانش‌ها و مهارت‌ها از طریق آموزش، تأمین و به‌روز رسانی می‌شود. روش‌های تحقیق کمی و کیفی، شیوه استفاده از اینترنت و پایگاه‌ها و منابع علمی، روش‌های آماری و استفاده از نرم‌افزارهای آماری، شیوه‌های نگارش و ویرایش، روش‌های نیازسنجی پژوهشی و تعیین اولویت‌های پژوهشی، مدیریت پروژه‌های پژوهشی، روش‌های نگارش پروپوزال، مقاله، پایان‌نامه و طرح‌های پژوهشی، مبانی فلسفه علم و روش‌شناسی علمی برخی از دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مورد نیاز پژوهشگران فرهنگی است که می‌توان از طریق آموزش‌های ضمن خدمت ارایه نمود.

راهکارهای سیستمی:

استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی کمک‌شایانی به مدیریت پژوهشی در آموزش و پرورش می‌کند، در این راستا می‌توان از راهکارهایی نظیر راه‌اندازی سامانه جامع مدیریت پژوهشی و راه‌اندازی بانک اطلاعات پژوهشگران فرهنگی و آثار پژوهشی فرهنگیان نام برد.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- ابراهیم آبادی، حسین، آینده‌ی آموزش و آموزش آینده، یادگیری در ویرای مدرسه و دانشگاه، فارابی دو ماهنامه‌ی داخلی جشنواره‌ی بین‌المللی فارابی، شماره‌ی بیست و هفتم، خرداد و تیرماه ۱۳۸۱، صص: ۳-۲۵.
- ۲- ایوبی، حجت‌ا...، سیاست‌گذاری فرهنگی در فرانسه: دولت و هنر، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
- ۳- بهرامی، نیکخواه و بارع‌نیا، هدا (زیر نظر دکتر ژاله کهنمویی پور)، زبان فرانسه در ایران (پیشینه و موقعیت کنونی)، مجله‌ی رشد آموزش زبان، دوره‌ی بیست و ششم، شماره ۱، (شماره‌ی پی‌درپی ۱)، پاییز ۱۳۸۳، صص: ۳۲-۲۷.
- ۴- سریع‌القلم، محمود، فرهنگ سیاسی ایران، تهران: انتشارات نشر فرزاد روز، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۵- سند تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش (سند مشهد مقدس)، وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش، آذرماه ۱۳۸۰.
- ۶- شافرتز، جی، ام و بریک، کریستوفرپی، سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده‌ی آمریکا، ترجمه‌ی دکتر حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۰.
- ۷- وحید، مجید (به اهتمام)، سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز (مجموعه‌ی مقالات)، تهران، انتشارات باز، ۱۳۸۲.
- ۸- وحید، مجید، سیاست‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

تربیت نسل مسئولیت‌پذیر: بررسی نقش خانواده و مدرسه



نگین کالوند
کارشناسی آموزش ابتدایی

من چه می‌دهید؟» باشد؟ یا در دنیای جدید، سؤالات بیشتر شبیه «این چگونه کار میکند»، «این اطلاعات جدید چگونه با آنچه ماه گذشته خواندیم مطابقت دارد» یا «اگر ما... چه اتفاقی می‌افتد» خواهد بود؟ تعلیم کودکان مسئولیت‌پذیر آسان است، اما آنها مانند یک برش دو بعدی از پتانسیل واقعی خود هستند. کارکردن با کودکان نماینده نه تنها آسان است، بلکه مایه لذت هستند و مالکیت دستیابی به پتانسیل‌های درونی خود را نیز دارند. شاید زمان آن فرا رسیده است که کودکان مسئول را به عنوان یک موهبت تلقی کنیم و آنها را به عنوان مشکلی از نوع دیگر بشناسیم مسئولیت بهایی دارد.

مسئولیت‌پذیری کودکان

مسئولیت به تعهد به انجام وظایف معین به منظور دستیابی به نتایج معین اشاره دارد. مسئولیت نیز الزام فرد به انجام وظیفه یا وظیفه‌ای است که به او محول شده است. کودکانی که در امر یادگیری یا در انجام سایر وظایف خود احساس مسئولیت می‌کنند معمولاً دارای ویژگی‌های خاصی هستند که آنها را از سایر کودکانی که در قبال یادگیری و انجام تکالیف خود احساس مسئولیت نمی‌کنند متمایز می‌کند. کودکان مسئولیت‌پذیر دارای برنامه‌های مشخص جهت رسیدن به اهداف مشخص هستند. کودکان مسئولیت‌پذیر هر روز زمانی را برای انجام تکالیف یا مطالعه اختصاص می‌دهند. به نظر می‌رسد یک چیز مشترک دارند - آنها در کلاس یادداشت برداری می‌کنند. آنها یاد گرفته‌اند که معلمان تقریباً همیشه آنچه را که مهم هستند بیان می‌کنند. به فرزندتان یاد دهید که وقتی معلم در حال صحبت است یادداشت برداری کند. آنها به دنبال پیشرفت و تبدیل شدن به عنصر باارزش در جامعه هستند. برخی از ویژگی‌های کودکان مسئولیت‌پذیر عبارت است از:

الف- منظم بودن خود و نظافت مدرسه. ب- داشتن هدف. پ- داشتن برنامه مشخص. ت- شرکت منظم در کلاس درس. ث- حضور به موقع در مدرسه. ج- تلاش برای یادگیری بیشتر. چ- انجام به موقع تکالیف. ح- مشورت با دوستان در هنگام انجام تکالیف تیمی. خ- همکاری در انجام فعالیت‌های گروهی. د- امانت داری در مقابل لوازم مدرسه. ذ- مدیریت زمان. س- پشتکار در یادگیری. ش- کمک به معلم در امر تدریس. ص- کنترل انگیزه‌ها ض- عملکرد تحصیلی سطح بالا. ر- صرفه‌جویی در هنگام مصرف لوازم مدرسه از جمله گچ، ماژیک، لوازم آزمایشگاه. ژ- خودنظارتی. ه- خودارزیابی. م- خود کنترل. ی- تلاش برای رفع چالش‌ها و موانع تعلیمی. و- کشف و شناسایی ویژگی‌های خود

نقش مدرسه در مسئولیت‌پذیری کودکان

مدرسه به عنوان دومین خانه‌ی هر کودک و مکمل تربیت خانوادگی، نقش بسزایی در شکوفایی مسئولیت‌پذیری ایفا میکند. این امر از طریق روش‌ها و اقدامات مختلفی صورت می‌گیرد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- ایجاد محیطی امن و حمایتی:

- مدرسه باید فضایی امن و حمایتی را برای کودکان فراهم

تربیت نسل مسئولیت‌پذیر یکی از چالش‌های اساسی در جامعه‌های امروزی است. مسئولیت‌پذیری به معنای توانایی انجام وظایف به صورت مستقل، پذیرش نتایج اقدامات و احترام به حقوق دیگران است. این ویژگی‌ها برای رشد فردی و اجتماعی هر فرد ضروری هستند. در این راستا، خانواده و مدرسه به عنوان دو نهاد اصلی تربیتی نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و تقویت این ویژگی‌ها دارند. بررسی و تحلیل نقش این دو نهاد میتواند به ارائه راهکارهایی مؤثر برای تربیت نسل‌های آینده منجر شود. تربیت نسل مسئولیت‌پذیر به تقویت پایه‌های اخلاقی و اجتماعی جامعه کمک میکند. افرادی که مسئولیت‌پذیر هستند، به حقوق دیگران احترام می‌گذارند و در قبال اقدامات خود پاسخگو هستند. مسئولیت‌پذیری میتواند از بروز بسیاری از رفتارهای ناهنجار و معضالت اجتماعی جلوگیری کند. افراد مسئولیت‌پذیر تمایل کمتری به انجام رفتارهای مخاطره آمیز و غیرقانونی دارند. در مدرسه، تربیت کودکان مسئولیت‌پذیر به ایجاد محیط یادگیری مثبت و همکاری بین کودکان و معلمان منجر میشود. تربیت مسئولیت‌پذیری در کودکان و نوجوانان، آنها را برای مواجهه با چالش‌ها و مسئولیت‌های زندگی بزرگسالی آماده میکند. با وجود اهمیت بالای تربیت نسل مسئولیت‌پذیر، بسیاری از کودکان و نوجوانان امروزی در پذیرش مسئولیت‌ها و انجام وظایف خود دچار مشکلاتی هستند. تربیت نسلی مسئولیت‌پذیر، یکی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع امروزی است. در دنیایی که به سرعت در حال تغییر است، ضروری است که افراد بتوانند مسئولیت اعمال خود را بر عهده بگیرند، به دیگران احترام بگذارند و در جهت رفاه جامعه تلاش کنند. خانواده و مدرسه دو نهاد اصلی هستند که در تربیت نسل آینده نقش دارند. هر دو نهاد مسئول آموزش ارزش‌ها، اخلاقیات و مهارت‌های لازم به کودکان برای تبدیل شدن به شهروندانی متعهد و مسئول هستند. این صفت، فرد را قادر می‌سازد تا به حقوق و تکالیف خود در قبال خود، دیگران و جامعه آگاه باشد و در جهت انجام آنها تلاش کند. پرورش مسئولیت‌پذیری در کودکان، فواید بسیاری برای آنها به همراه دارد. این صفت به آنها کمک میکند تا در زندگی فردی و اجتماعی خود موفق‌تر باشند. معلمان نقش حیاتی در تربیت و آموزش کودکان ایفا می‌کنند. معلمان نه تنها مسئولیت انتقال دانش‌های تحصیلی به کودکان را دارند، بلکه نیز وظیفه تربیت آنها در زمینه‌های اخلاقی، اجتماعی، و اختیارات شخصی را بر عهده دارند. یکی از اصول اساسی تربیت اطفال، مسئولیت‌پذیری است. مسئولیت‌پذیری به معنای توانایی انجام وظایف و تعهد به انجام آنها به موقع و با دقت است. این مهارت اساسی در زمینه تعاملات اجتماعی، خودکنترل، و مهارت‌های زندگی مؤثر است و در آینده کودکان به عنوان افراد مسئول و موفق نقش می‌آید. این مهارت حیاتی نه تنها به کودکان کمک میکند تا در تصمیم‌گیری‌ها و انجام وظایف خود موفق باشند، بلکه ایجاد شهروندان مسئول و پویا برای آینده را نیز تضمین میکند. آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان از طریق روش‌های نوین و اثرگذار میتواند یکی از اهداف اصلی آموزشی تبدیل شود. معلمان هنگام تدریس به روش قدیمی باید منتظر سؤالاتی مانند «آیا در آزمون باشد»، «چند کلمه باید بنویسم» یا «اگر نمره الف بگیرم به



کند تا در آن احساس آرامش و امنیت داشته باشند.

- این امر به آنها کمک می‌کند تا با اعتماد به نفس بیشتری در فعالیت‌های مختلف شرکت کرده و مسئولیت‌های خود را به نحو احسن انجام دهند.

۲- تشویق به استقلال:

- معلمان باید با تشویق کودکان به انجام مستقل کارها، به آنها در پرورش مسئولیت‌پذیری کمک کنند.
- این امر می‌تواند از طریق واگذاری وظایف متناسب با سن و توانایی آنها، تشویق به حل مساله به صورت مستقل، و دادن فرصت‌های مختلف برای رهبری و مدیریت انجام شود.

۳. ترویج نظم و انضباط:

- مدرسه باید با ترویج نظم و انضباط، به کودکان در یادگیری نحوه‌ی انجام وظایف خود به طور منظم و مسئولانه کمک کند.

- این امر می‌تواند از طریق تعیین قوانین و مقررات واضح، تشویق به نظم در انجام تکالیف و برنامه ریزی درسی، و تنبیه متناسب با تخلفات انجام شود.

۴- مشارکت کودکان در فعالیت‌های مدرسه‌ای:

- یکی از بهترین راه‌های پرورش مسئولیت‌پذیری در کودکان، مشارکت دادن آنها در فعالیت‌های مختلف مدرسه‌ای است.
- این امر می‌تواند از طریق عضویت در انجمن‌ها و تشکل‌های کودکی، واگذاری مسئولیت‌هایی مانند نظم‌دهی کلاس، و برگزاری برنامه‌های فرهنگی و هنری انجام شود.

۵- الگودهی معلمان:

- معلمان به عنوان الگوهای رفتاری کودکان، نقش مهمی در پرورش مسئولیت‌پذیری در آنها دارند.
- آنها باید با انجام وظایف خود به طور مسئولانه و با تعهد، به کودکان در یادگیری نحوه‌ی انجام درست کارها کمک کنند.

۶- همکاری با خانواده:

- مدرسه باید با خانواده ها در جهت پرورش مسئولیت‌پذیری در کودکان همکاری نزدیکی داشته باشد.
- این امر می‌تواند از طریق برگزاری جلسات مشترک، ارائه راهکارهای تربیتی به خانواده‌ها، و تشویق به مشارکت آنها در فعالیت‌های مدرسه‌ای انجام شود.

۷- استفاده از روش‌های تدریس خلاقانه:

- معلمان می‌توانند با استفاده از روش‌های تدریس خلاقانه و فعال، به کودکان در یادگیری مفاهیم مربوط به مسئولیت پذیری کمک کنند.
- این امر می‌تواند از طریق بازی‌های آموزشی، بحث و گفتگو، و حل مساله انجام شود.

۸- تشویق و قدردانی:

- معلمان باید با تشویق و قدردانی از کودکانی که وظایف خود را به طور مسئولانه انجام می‌دهند، به تقویت مسئولیت‌پذیری در آنها کمک کنند.
- این امر می‌تواند از طریق دادن نمره‌های مثبت، ارائه جوایز، و تمجید شفاهی انجام شود.

با به کارگیری این روش‌ها و اقدامات، مدارس می‌توانند نقش موثری در شکوفایی مسئولیت‌پذیری در کودکان ایفا کرده و به آنها در تبدیل شدن به شهروندانی مسئول و متعهد به جامعه کمک کنند.

نقش معلمان در تعلیم مسئولیت‌پذیری

درک وظایف منظم معلم می‌تواند به شما کمک کند تعیین کنید که آیا تدریس مسیر شغلی خوبی برای مجموعه مهارت‌های شما است یا خیر و همچنین از تلاش‌های معلمان برای حمایت از جوامع خود قدردانی کنید. معلمان به عنوان مهم‌ترین عنصر در نظام تعلیمی برای انجام فعالیت‌های تعلیمی مسولیت‌هایی را برعهده دارند. معلمان بخش مهمی از جامعه هستند زیرا آنها به تعلیم، حمایت و مربیگری کودکان در طول سال‌های شکل گیری و بعد از آن کمک می‌کنند. معلمان مهارت‌های زیادی را به حرفه خود می‌آورند و بسیاری از مسئولیت‌های روزانه را انجام می‌دهند که توانایی‌های آنها را برای تعلیم و راهنمایی کودکان برجسته می‌کند. مهم‌ترین هدف تعلیم تسهیل جریان یادگیری برای کودکان است. و از این رو معلمان برای تحقق این هدف دارای مسولیت‌هایی هستند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- درس دادن
- برگزاری کلاس‌های تعیین شده در ساعات مقرر
- طراحی و اجرای راهبردهای مؤثر برای توسعه یادگیرندگان خود مسئول / مستقل
- برای نشان دادن شایستگی در تعلیم کلاس
- برنامه درسی تعیین شده را به طور کامل و در زمان مقرر اجرا کند
- برنامه‌ریزی و آماده سازی مناسب دوره‌ها و سخنرانی‌های محوله
- برای برنامه‌ریزی و اجرای شیوه‌های مدیریت کلاس درس موثر

تعلیم مسئولیت‌پذیری به کودکان

محققان اهمیت مشارکت کودکان در یادگیری خود را بسیاری از نوکودکان به مدرسه می‌رسند که فاقد مهارت‌های یادگیری غیردرسی هستند که می‌تواند به موفقیت تحصیلی آنها کمک کند. کودکان باید مسئولیت یادگیری خود را به اشتراک بگذارند. این ادعای جدیدی نیست. فقدان چنین نقاط قوتی می‌تواند به طور نامتناسبی بر کودکانی

از زمینه‌های محروم که دوران کودکی پر استرسی را تجربه کرده‌اند و ممکن است فرصت های کمتری برای ایجاد وابستگی‌های سالم با بزرگسالان دلسوز داشته باشند که انعطاف‌پذیری و اعتماد به نفس را ارتقا می‌دهد، تأثیر بگذارد. کودکان مرفه نیز ممکن است فاقد این ویژگی‌ها باشند. معلمان می‌توانند عملکرد ضعیف و عدم پشتکار را به عنوان شاخصی مبنی بر بی‌انگیزگی کودکان تشخیص دهند، در حالی که در واقعیت، کودکان ممکن است اگر بیش از حد از خطر و خطا در امان باشند، مهارت های لازم برای موفقیت مدرسه را توسعه نداده باشند.

روش‌های نوین در آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان

آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان می‌تواند از روش‌های نوینی بهره‌برداری کند تا به بهترین نتایج برسد. در ادامه، به برخی از این روش‌های نوین در آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان پرداخته‌ایم:

۱- بازی‌های آموزشی

بازی‌های آموزشی می‌توانند یکی از بهترین روش‌ها برای آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان باشند. این بازی‌ها به کودکان اجازه می‌دهند تا در محیطی فریبنده و با اشتیاق، مهارت‌های مسئولیت‌پذیری را یاد بگیرند. به عنوان مثال، بازی‌های نقش‌آفرینی و بازی‌های جمعی می‌توانند کودکان را به همکاری و مشارکت تشویق کنند.

۲- استفاده از فناوری‌های آموزشی

فناوری‌های آموزشی مثل نرم‌افزارهای آموزشی و پلتفرم‌های آموزشی آنلاین می‌توانند به معلمان و والدین کمک کنند تا محیط‌های آموزشی تعاملی و جذابی را برای کودکان ایجاد کنند. از طریق این فناوری‌ها، کودکان می‌توانند مهارت‌های مسئولیت‌پذیری را به صورت تعاملی یاد بگیرند.

۳- فعالیت‌های گروهی

یادگیری از طریق فعالیت‌های گروهی نیز می‌تواند به تقویت مسئولیت‌پذیری کودکان کمک کند. وقتی کودکان در یک گروه همکاری می‌کنند، آنها می‌آموزند که به دیگران احترام بگذارند، وظایف خود را به تعهد انجام دهند و مسئولیت‌پذیر باشند.

۴- مدل سازی

مدل سازی توسط معلمان و والدین یکی از روش‌های مؤثر در آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان است. وقتی کودکان شاهد افراد بزرگتر و معلمانی هستند که مسئولانه رفتار می‌کنند، آنها نمونه‌های مثبتی برای تقلید دارند و این می‌تواند اثرات بسیار مثبتی در رشد آنها داشته باشد.

نقش خانواده در مسئولیت‌پذیری کودکان

۱- محیط خانوادگی:

محیط خانوادگی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مسئولیت‌پذیری کودکان است. خانواده با ایجاد یک فضای

حمایتی و مثبت می‌تواند فرزندان را به اجتماع مسئول و فعال وادار کند. محیط خانوادگی پر از حمایت و انگیزه، کودکان را به انجام وظایف خود با احساس مسئولیت تشویق میکند.

۲- الگوهای والدین:

رفتارها و الگوهای مسئولانه و فعال والدین، به عنوان مدل‌های ارزشمند، بر کودکان تأثیر فراوانی دارد. والدین با نشان دادن اهمیت به مسئولیت و انجام وظایف خود به نمونه‌گیری برای فرزندان می‌پردازند و این نمونه‌گیری باعث تقویت مسئولیت‌پذیری در کودکان می‌شود.

۳- مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها:

والدینی که به فرزندان خود اجازه مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی می‌دهند، به آنان احساس مسئولیت و اراده می‌کنند. این مشارکت به کودکان این احساس را میدهد که نظراتشان ارزشمند هستند و مسئولیت‌پذیری آنها را تقویت میکند.

۴- تربیت اخلاقی:

والدین با تربیت اخلاقی و ارزش‌های مسئولیت‌پذیری، کودکان را به درک اهمیت انجام وظایف و پذیرش مسئولیت‌های خود تشویق می‌کنند. این تربیت اخلاقی به فردی مسئول و اراده‌مند در مواجهه با چالش‌ها تبدیل میشود.

۵- حمایت روحی و عاطفی:

حضور حمایت روحی و عاطفی والدین در زمان‌های مختلف، اعتماد به نفس کودکان را افزایش میدهد. این اعتماد به نفس باعث میشود که کودکان بهترین تصمیم‌ها را برای خود بگیرند و به مسئولیت‌پذیری نسبت به تصمیمات خود بپردازند.

تربیت نسلی مسئولیت‌پذیر، امری ضروری برای ساختن جامعه‌ای بهتر و دنیایی پایدار است. خانواده و مدرسه، دو رکن اساسی در این مسیر هستند که با همکاری و همدلی می‌توانند به پرورش نسلی متعهد، دلسوز و مسئول کمک کنند. ارائه الگوی رفتاری مناسب، آموزش ارزش‌ها، ایجاد فرصت‌های یادگیری، تشویق و قدردانی، ترویج فرهنگ مسئولیت‌پذیری، آموزش مهارت‌های زندگی، فراهم کردن فرصت‌های مشارکت، ارزشیابی و بازخورد، و همکاری مستمر بین خانواده و مدرسه، از جمله راهکارهای کلیدی در این زمینه هستند. با تلاش و تعهد، می‌توانیم به فرزندانمان کمک کنیم تا به شهروندانی مسئول تبدیل شوند که در جهت رفاه خود، جامعه و بشریت گام بردارند.

منبع:

صادق زاده، فرحناز و آبانگاه، مریم و میرزائی، نرگس و امیرپور، عبدالله، نقش والدین و مسئولیت مداری در کاهش مشکلات اخلاقی و تربیتی دانش‌آموزان در مدارس

محمدی، مهدیس و اسداللهی، سیدمحمد و شهابی، نگین و حضرتی وند، نگین، بررسی مسئولیت پذیری و نقش معلمان در مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان

بلاگر شدن

و تاثیر استفاده از اینستاگرام بر کودکان

زهرا کولموند

کارشناسی آموزش ابتدایی



امروزه به تعداد کودکان و خردسالان فضای مجازی برای کسب شهرت و توجه از سوی والدینشان اضافه می‌شود. والدینی که در بسیاری موارد به محض به دنیا آمدن فرزندانشان برایش صفحه اجتماعی باز می‌کنند و کودکان بی آنکه بخواهند در شبکه اجتماعی زندگی می‌کنند، مشهور می‌شوند و به ابزاری برای درآمد خانواده هایشان تبدیل می‌شوند. نخستین و مهم‌ترین آسیب‌های سوءاستفاده از کودکان در فضای مجازی ارائه توجه والدین به کودک برای انجام امور خاص است که هدف از انجام آن امور، افزایش پسندیده شدن و افزایش تعداد دنبال کنندگان است.

طی سه دهه اخیر فناوری‌های نوین ارتباطی از جمله شبکه جهانی وب و اینترنت به شکل گسترده‌ای ابعاد مختلف حیات بشری را تحت تأثیر قرار داده است. این شکل ارتباطی و اطلاعاتی جهانی، فضای جدیدی ایجاد کرده که از آن به فضای مجازی یاد شده است. فضای مجازی واژه‌ای است که در دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات علمی تخیلی شد و شاغلان در زمینه کامپیوتر و علاقمندان به سرعت آن را به کار بردند و در دهه ۱۹۹۰ رایج شد. در این دوره استفاده از اینترنت، شبکه و مخابرات دیجیتال سریعاً در حال رشد بود و لفظ فضای مجازی می‌توانست بسیاری از ایده‌ها و پدیده‌های نو ظهور را نمایندگی کند.

ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی، دگرگونی بنیادینی را در معاملات و ارتباطات انسانی ایجاد کرده است. از آنجا که انتقال و جریان فرهنگ از طریق ارتباطات صورت می‌گیرد، حوزه فرهنگ که نظام‌هایی از عقاید و رفتارها را شامل می‌شود، با ظهور تکنولوژی جدید دستخوش دگرگونی‌های بنیادین می‌گردد. هویت فرهنگی، حول محورهایی همچون مرز جغرافیایی «سرزمین»، دین و مذهب، باورها و سنن‌های فرهنگی، و زبان مشترک تعریف می‌شود. دستیابی به جامعه آنلاین، منجر به اجتماعی شدن بیشتر و سطوح بالاتری از جامعه پذیری می‌شود و در ایجاد ایدئولوژی و رفتارهای نو پدید کنشگران اجتماعی تاثیر بسزایی دارد.

آسیب‌های اینستاگرام می‌تواند ضررهای فردی و اجتماعی بسیاری به پیکره جامعه و فرهنگ وارد کند؛ به عنوان نمونه: اشاعه فحشا و بی بند و باری، عادی سازی هنجارشکنی،

ترویج الگوهای کاذب، از میان رفتن حریم خصوصی، اعتیاد اینترنتی، مقایسه اجتماعی، رشد مصرف گرایی، توهین و دعوای مجازی، ایجاد شایعه به صورت نشر خبرهای جعلی و بی هویتی که منجر به آسیب‌های مختلف فرهنگی می‌شوند. عجین شدن روابط انسانی با مبادلات تجاری نکته حائز اهمیت است که در تحلیل شبکه اینستاگرام باید بدان توجه نمود چرا که علاوه بر ایجاد مشاغل قانونی و مشروع موجب ترویج مشاغل کاذب و در برخی از موارد مشاغل نامتعارفی شده که معضل های اجتماعی متفاوتی را تسریع می‌بخشد. نکته در خور توجه دیگر آن است که در شبکه اجتماعی اینستاگرام بسیاری از رفتارهای هنجارشکنانه شیوع یافته به طور نمونه الگوهای غیر اخلاقی و صحنه‌هایی با محتوای ناسزاگویی و ترویج خشونت از جمله مسائل اجتماعی قابل اشاره است.

چند سالی است که در کشور ما یکی از گروه‌هایی که در اینستاگرام به نمایش گذاشته می‌شوند و پس از دوره‌ای کوتاه بسیاری از آنها به مثابه خرده سلبریتی‌ها مشهور و محبوب می‌شوند، کودکان که عموماً توسط خانواده و مخصوصاً مادران خود در فضای مجازی به عنوان مدل تبلیغاتی یا مدل ایده‌آل یک کودک بازنمایی می‌شوند و از آنان به عنوان «کودکان کار اینستاگرامی» یاد می‌شود. مسائل اساسی در ارتباط با مفهوم «کودکان کار» این است که هم اکنون معنای کودک کار صرفاً به تعریف سنتی آن و کارکردن کودکان در خیابان معطوف نیست، بلکه میتوان از کودکان جدیدی سخن گفت که لزوماً از طبقات پایین و محروم جامعه نیستند و خانواده‌هایشان آنها را به کار می‌گیرند تا از طریق آنها کسب درآمد کنند.

● افزایش جرایم علیه اخلاق جنسی و عفت عمومی

فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی در توسعه دموکراسی، مهار قدرت و سیاستمداران، گسترش آزادی و حقوق بشر و همبستگی مثبت نقش بسزایی داشته‌اند؛ لیکن در کنار این تاثیرهای مفید؛ تضعیف تهدید نرم ارزش‌های اخلاقی و سنتی، نابرابری و انواع شکاف، سودجویی، تمایلات نامناسب و ناشناخته و پریسک و... را نیز به همراه داشته است. جرایم سایبری منافی عفت، از خطرناک‌ترین جلوه‌های تهدید نرم علیه امنیت اخلاقی جوامع ارزشی نظیر ملت ایران است. مبارزه با جرایم شبکه‌های اجتماعی به مراتب دشوارتر و تخصصی‌تر از پیشگیری و مبارزه با جرایم سنتی است و دلیل این امر، تفاوت در ویژگی‌های جرایم شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام در مقایسه با جرایم سنتی است. «چاووشی، کرامتی معز: ۱۳۹۷: ۱۱۵»

● عوامل بزه دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه اجتماعی تلگرام و اینستاگرام

شبکه اجتماعی در درجه اول یک پدیده ارتباطی محسوب می‌شود که این ویژگی در دراز مدت بر روی باز تعریف شخصیت فرد تاثیرات زیادی خواهد داشت. تاثیر دیگر شبکه‌های اجتماعی از جمله اینستاگرام این است که به تک تک کاربران خود هویت کاذب می‌دهد. افرادی که در داده‌ها، مراودات و گفتگوهای خود تنها به فضای مجازی بسنده می‌کنند خود به خود به لحاظ هویتی یک هویت کاذب پیدا کرده و به سمت توهم پردازی و خیال بافی می‌روند که این معضل باعث می‌شود غالب کاربران این فضا قادر نباشند تصمیمات مناسب، به هنگام، عینی و واقعی در زندگی خود بگیرند. بررسی‌ها نشان داده است که شخصیتی که این فضا به کاربران فضای مجازی می‌دهد تا حد زیادی با شخصیت اصلی فرد متفاوت است، یک کاربر میکوشد تا نداشته‌های خود را به صورت مجازی نمایش دهد و یا اینکه تحت تاثیر مقایسه خود با سایر کاربران قرار گرفته و از شخصیت‌های کاذب دیگران برای شکل دادن شخصیت مجازی خود استفاده کنند، در این فضا امکان بروز بسیاری از جرایم و جنایات برای فرد ایجاد می‌گردد. به نظر مهم‌ترین تأثیری که شبکه‌های اجتماعی میتواند در دراز مدت بر افراد بگذارند، گرفتن انواع نبوغ و خلاقیت و نوآوری از افراد است که موجب کاهلی، افسردگی و بروز یک سری حالات روانی غیرقابل قبول و غیرعادی در فرد می‌شود. این حالات روانی غیرقابل قبول و غیرعادی در فرد میتواند زمینه ساز بسیاری از رفتارها و ناسازگاری‌ها در خانواده‌ها شود که با ادامه این حالات و پایین آمدن این آستانه تحمل افراد یک خانواده، زمینه جدایی اعضای یک خانواده از هم شروع شود.

آثار عوامل بزه دیدگی اخلاقی کودکان ونوجوانان در شبکه اجتماعی تلگرام واینستاگرام

● نابودی سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی با ماده‌ی «ارتباط» ایجاد می‌شود و سازنده صورت‌هایی همچون جامعه مدنی است که در قالب آنها کنشگران به تشخیص وضعیت موجود، شناخت قوت‌ها و ضعف‌ها و تعیین موقعیت آرمانی قادر میشوند. یکی از پیامدهای مثبتی که برای سرمایه اجتماعی برمی‌شمرند، تأثیر آن بر عملکرد کارآمد و اثربخش نهادهای حکومتی است. در بحث سرمایه اجتماعی وحکمرانی خوب، تصور بر این است که سرمایه اجتماعی موجب میشود تا شهروندان وحاکمان رفتارهایی را پیشه کنند که در نهایت منافی مانند حکومت مسئول، پاسخگو و کارآمد ایجاد میکنند همچنین موجب میشود تا مشارکت شهروندان در حوزه های عمومی افزایش پیدا کند و نهادینه شود.

● حق حریم خصوصی، حق بر تصویر

حق حریم خصوصی به عنوان یکی از حقوق اولیه انسان درمعاهدات حقوقی بین المللی مورد تاکید قرارگرفته است. طبق ماده ۱۲معاهده‌ی جهانی حقوق بشر، حریم خصوصی، خانواده، خانه یا مکاتبات هیچ شخصی نباید مورد مداخله خودسرانه قرار گیرد و شرافت و شهرتش نباید مورد حمله واقع شود. هرکسی حق دارد در برابر چنین مداخلات یا حمله‌هایی مورد حمایت قانون واقع شود. امروزه والدین درصفحات اینستاگرام عکس‌های کودکان را بصورت کاملاً واضح بارگذاری می‌کنند و از عکس و فیلم‌های جذاب آنها برای جذب فالوور و فروش محصولات استفاده میشود و یا محصولات مختلف ازطریق خودکودک تبلیغ میشود. این در حالی است که تبلیغات بیشتر، آنها را بیش از پیش مشهور میسازد. در نظام حقوقی ایران موضوع حریم خصوصی به صورت مشخص و در قالب قانونی خاص مورد حمایت قرار گرفته است. درسال ۱۳۹۹ قانونی با عنوان قانون حمایت از اطفال و نوجوانان تصویب و از سوی رئیس جمهور ابلاغ شده است. طبق ماده‌ی یک آن هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر وآسیب قرار دهد به عنوان سوءرفتار شناخته میشود. همچنین به کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یاخدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یاخطرناک باشد را معادل بهره کشی اقتصادی دانسته است.

● بازدارندگی قوانین و مقررات استفاده از اینستاگرام

اینستاگرام به جز اعمال محدودیت سنی زیر ۱۳سال برای عضویت، به صورت خاص توجهی به مسئله کودکان نشان نداده است. علاوه برحساب‌های جعلی فراوانی که در رسانه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود، با یک جست و جوی مختصر در اینستاگرام فارسی میتوان به حساب‌های کاربری

متعددی با اسم نوزادان متولد نشده، تازه به دنیا آمده و یا کودکان و خردسالانی که هنوز اجازه یا مهارت استفاده از این رسانه‌ها را کسب نکرده‌اند، دسترسی پیدا کرد که توسط والدین آنها ایجاد و مدیریت میشود، اما از آنجایی که خلاء قانونی و عرفی در مورد کودک به عنوان شخصی که باید استقلال و حقوق او در حوزه‌ی حریم شخصی همچون بزرگسالان به رسمیت شناخته شود، وجود دارد، حتی محققان حوزه‌ی علوم انسانی در رشته‌های حقوق، علوم ارتباطات، جامعه شناسی و علوم روانشناختی نیز کمتر نسبت به این موضوع حساسیت نشان داده‌اند. پذیرش اینکه کودکان باید به عنوان «موجود زنده درحال حاضر» تلقی شوند تا «موجوداتی که قرار است بشوند» شامل اذعان به اهمیت زندگی کودکان در زمان حال و لزوم آگاهی از زندگی روزمره‌ی کودکان می‌شود.

مطالعات کودکی را میتوان به سه رویکرد تاریخی، رویکردهای اجتماعی- فرهنگی و رویکردهای سیاست گذاری دسته بندی کرد:

رویکرد تاریخی به کودکی: مطالعات تاریخی منبعی غنی از دانش درباره کودکان و کودکی در زمان گذشته و حال هستند. بسیاری از مسائلی که مطالعات کودکی در زمان معاصر درگیر آنها شده‌اند، دارای خط سیری تاریخی‌اند که آگاهی از این خط سیر میتواند نقشی اساسی در مسائل زمان حال بازی کند. مسائل مورد علاقه دانشمندان معاصر درباره کودکی از قبیل کار کودک، شکاف بین تجربه کودکی در جهان غرب و جهان غیر غربی و نگرانی‌های جهان غرب درباره کودکان عصر جدید را میتوان با مراجعه به تاریخ بررسی کرد.

رویکرد سیاست گذارانه به کودکی: رویکرد سیاست گذارانه به کودکی در چارچوب سیاست اجتماعی و برنامه‌های رفاهی به شناسایی منافع کودکان می‌پردازند. نگرانی درباره کودکان و حفاظت از کودکی ترجیح بند همیشگی اسناد اخیر دولتی، ره یافت‌های قانونگذاری وگزارش‌های رسمی بوده است و در صدد دخالت‌های مثبت در زندگی مردم است.

با توجه به نیازهای کودکان غربی در دنیای معاصر ۴ نیاز اصلی کودکان را به موارد زیر منحصر میکند:

نیاز به دوست داشته شدن و امنیت، نیاز به تجربیات جدید؛ نیاز به تمجید و تصدیق، مسئولیت پذیری. در واقع مسائل مربوط به قانون گذاری و سیاست گذاری در حوزه کودکان عموماً به تربیت صحیح کودکان معطوف است. در این رویکرد سه گفتمان حائز اهمیت خواهند بود: گفتمان نیازها، که به دنبال شناسایی نیازهای اساسی کودکان بوده است. گفتمان حقوق، که به دنبال تثبیت حقوق و شایستگی‌های کودکان است.گفتمان کیفیت زندگی، که به دنبال تعیین مولفه‌هایی که کیفیت خوب برای زندگی است. کنوانسیون سه شکل عمده حقوق کودکان را چنین بر می‌شمارند: تدارک حمایت‌ها و خدمت مناسب برای ارتقای سلامتی آنها، محافظ از استثمار و سوءاستفاده، مشارکت در تصمیم سازی در خصوص تربیت و مراقبت از خودشان.

رویکرد اجتماعی و فرهنگی به کودکی: تمرکز این بخش بیشتر روی سال‌های پایانی قرن بیستم تا امروز است. مهم‌ترین نکته برای رویکردها معاصر در این است ک کودکی چیز جهانی نیست بلکه تا حد زیادی محصول فرهنگ است و بنابراین در گستره زمان و مکان تغییر میکند. مثل طرز استفاده از تلفن، پیام های کوتاه، اتاق‌های گفتگوی

اینترنتی، بازی‌های کامپیوتری و دیگر وسایل ارتباطی جمعی برای کودکان کامل امری اجتماعی و فرهنگی است. در واقع کودکان در محیطی بزرگ می‌شوند که مملوء از بازنمایی‌های ایجاد شده درباره کودکی است که توسط تبلیغات تجاری، روزنامه ها، مجلات و تلویزیون برخواست میشود.

کالای نمایشی بودن نوع جدیدی از بردگی است که کسب سود را از طریق فروش نگاه مخاطب به شرکت‌های تجاری امکان پذیر میکند. بردگی به مثابه سوژه تماشا بودن برای کسب سود همیشه در تاریخ حضور داشته است، اما انواع صورت بندی آن در نظام‌های معرفتی مختلف متفاوت بوده است. در عصر ارتباطات و اطلاعات و ظهور اینترنت، حیات زیستی کودکان کار از جمله بدن، رفتار، گفتار و حتی بیماری، غم و شادی آنان به سوژه کنجکاوای کاربران اینستاگرام بدل شده. والدین به مثابه مالکان بدن و حیات کودک به فروش انواع پوشاک، خوراک، اسباب بازی و سایر کالاهای تجاری می‌پردازند. کودکان و نوجوانان استفاده کننده از شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام باید مورد آموزش قرار گیرند تا میزان مشارکت خود در ارتباط آنلاین خویش در شبکه‌های اجتماعی را محدود به افرادی کنند که آنها را می‌شناسند. کودکان و نوجوانان اطلاعات شخصی خویش را در اختیار افراد غریبه می‌گذارند و احتمال این نیز وجود دارد که رابطه مجازی آنها به شکل غیرآللاین از دیگر طریق ارتباطی و اغلب شخصی، ادامه پیدا نماید و امکان بزه دیدگی فیزیکی وجود دارد. اگر کودکان و نوجوانان ارتباطات آنلاین خود را به افرادی که می‌شناسند، محدود نمایند، خطر بزه دیدگی

غیرآللاین آنها نیز کاهش می‌یابد.

در خصوص بزه دیدگی سایبری این افراد را میتوان کسانی دانست که هیچگونه رفتار پرخطر را در محیط سایبری انجام نداده‌اند، اما قربانی جرم شده‌اند. برخی قربانیان جرائم سایبری تنها به علت فقدان آگاهی دچار بزه دیدگی می‌شوند؛ لکن در تحقیق جرم نیز مطلقاً بی‌تأثیر نبوده‌اند، چرا که نا آگاهی و سهل انگاریشان موجبات این بزه دیدگی را فراهم کرده است؛ این دسته افراد برخلاف بزه دیدگان واقعی که هیچگونه بی‌احتیاطی مؤثر در وقوع بزه دیدگی نداشته‌اند، با سهل انگاری خود بزه دیده واقع شده‌اند.

● منابع

آقای، عاطفه، رضانیا، زهرا «۱۳۹۸». کودکان کار اینستاگرامی در فضای مجازی ایران، فصلنامه حقوق کودک، سال اول، ۱۶۵

ابراهیمی، محسن «۱۳۹۱»؛ هرزهنگاری در جرم شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه پیام نوراستان البرز.

جلالی، فراهانی، امیرحسین، رضا باقریاصل «۱۳۸۵». پیشگیری اجتماعی از جرائم سایبری راهکاری اصولی برای نهادینه سازی اخلاقی.

فصلنامه مطالعه مفهوم کودکان کار اینستاگرامی در فضای مجازی ایران، فصلنامه حقوق کودک، سال اول، ۱۶۹-۱۷۳

وکیل ها ، سمیرا «۱۳۹۲». «تأثیر فضای مجازی بر عرصه هویت فرهنگی، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران، سال سوم، شماره نهم





معرفی کتاب

تَلیح آملایی

کارشناسی آموزش ابتدایی



کتاب رهبری و یادگیری معلمان نوشته آن لیبرمن و کارول کمپبل و آنا یاشکینا است. طرح رهبری و یادگیری معلمان در سال ۲۰۰۷ نتیجه ابتکار مشترک وزارت آموزش و پرورش اُنتاریو و اتحادیه معلمان اُنتاریو است که با اهداف زیر آغاز گردید:

حمایت، هدایت و پشتیبانی از معلمان باتجربه به خاطر اقدام دوطلبانه جهت توسعه حرفه‌ای پیشرفته خود، رهبر؛ توسعه مهارت‌های رهبری معلمان برای به اشتراک‌گذاری و تسهیم یادگیری حرفه‌ای و فعالیت‌های شایان تقلید، تسهیل و تسریع به اشتراک‌گذاری و تبادل دانش برای گسترش و تداوم فعالیت‌های اثربخش و خلاقانه.

درباره کتاب رهبری و یادگیری معلمان برنامه رهبری و یادگیری معلمان اُنتاریو برای ما به اندازه‌ای اهمیت دارد و مهم است که احساس می‌کنیم باید همه (معلمان و مدرسان) در سراسر جهان در مورد آن بدانند. معلمان، مسئولیت یادگیری و توسعه خود را بر عهده می‌گیرند و در این تلاش مورد حمایت و پشتیبانی قرار می‌گیرند. پژوهش ما نشان داد پروژه رهبری و یادگیری معلمان، توسعه حرفه‌ای نیرومندی برای رهبری و یادگیری معلمان از، توسط، و برای معلمان است که برای یادگیری دانش‌آموزان نیز مفید است.

آن لیبرمن، کارل کمبول و آنا یاشکینا در کتاب رهبری و یادگیری معلمان، شرح می‌دهند که وقتی معلمان از طریق سیاست‌های دولتی که با مشارکت معلمان و اتحادیه‌های معلمان تدوین می‌گردد مورد حمایت قرار داده شوند، یاد می‌گیرند که چگونه مدیریت کنند و دانش خود را تسهیم نمایند.

در سراسر کتاب، شواهد، مباحث و آخرین اندیشه‌ها، مطالعات، فعالیت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها ارائه می‌شوند.

رهبری و یادگیری معلمان نیازمند توانمندسازی آن‌هاست، به گونه‌ای که معلمان به عنوان عاملان بسیار مهم در مرکز تغییر و تحولات هستند، نه اینکه صرفاً موضوع یا پذیرندگان

تغییراتی باشند که از خارج به آن‌ها دیکته می‌شود. این کتاب مناسب معلمانی است که می‌خواهند ایده‌های جدید بیابند، راهنمایی، هدایت، حمایت و رهبری را بیاموزند و یادگیری خود را در درون و برون مدرسه توزیع کنند، تا بتوانند در این فرآیند، اعتماد مسئولان تدوین سیاست‌های آموزشی را جلب کنند.

• درباره آن لیبرمن

دکتر آن لیبرمن، هم اکنون پژوهشگر ارشد در دانشگاه استنفورد است. او استاد بازنشسته از دانشکده معلمان، دانشگاه کلمبیا می‌باشد. حوزه‌های پژوهش او عبارتند از: دانش معلمان، یادگیری و رهبری و همکاری مدرسه / دانشگاه. او به دلیل فعالیت‌هایش در جهت یافتن راهی برای تلفیق دانش معلمان با دانش پژوهش، در دنیا شناخته شده است. بیش از ۱۸ اثر و مقاله، که همه بر معلمان، رهبری معلمان و بهسازی مدرسه متمرکز هستند، تألیف یا گردآوری نموده است. «لیبرمن» از پیشگامان خط‌مشی‌هایی است که یادگیری و رهبری معلمان را امکان‌پذیر ساخته و پیچیدگی تدریس و اهمیت حیاتی حمایت و پشتیبانی از معلمان را مورد توجه قرار می‌دهند.

• درباره کارول کمپبل

دکتر کارول کمپبل، دانشیار تحوّل رهبری و آموزشی و سرپرست بخش شبکه دانش برای پژوهش آموزش کاربردی در مؤسسه اُنتاریو برای مطالعات در آموزش در دانشگاه تورنتو است. «کارول» همچنین به‌عنوان مشاور آموزشی نخست وزیر و وزارت آموزش و پرورش اُنتاریو منصوب شده است. او به دلیل تعهد به تلفیق شواهد دانش حرفه‌ای و پژوهش برای توسعه ظرفیت برای بهسازی آموزشی شناخته شده است. پست‌های پیشین او عبارتند از: مدیر اجرایی مرکز سیاست‌گذاری آموزشی در دانشگاه استنفورد، مناصب ارشد رسمی در وزارت آموزش و پرورش اُنتاریو و مناصب آموزشی، علمی و سیاست‌گذاری در بریتانیا.

• درباره آنا یاشکینا

دکتر آنا یاشکینا، پژوهشگر ارشدی است که با اداره رهبری و آموزش بزرگسالان در موسسه اُنتاریو برای تحقیقات آموزشی در دانشگاه تورنتو کار می‌کند. علایق حرفه‌ای او عبارتند از: رهبری آموزشی، یادگیری و توسعه معلمان و بهسازی مدرسه. «آنا»، مدرس دانشگاه است، او همچنین، نظرات کارشناسی نوآورانه برای طرح‌های دولت، دانشگاه و اتحادیه معلمان ارائه می‌دهد.

بخشی از کتاب رهبری و یادگیری معلمان

بحث یادگیری حرفه‌ای و رهبری معلمان از، توسط و برای معلمان را با مطالعه تغییر و تحولات در رویکردها و خط‌مشی‌هایی که با هدف بهسازی نظام‌های آموزشی، افزایش علاقه به فعالیت‌ها و رهبری معلم انجام شده‌اند، آغاز می‌کنیم. در سراسر این اثر، شواهد، مباحث و آخرین اندیشه‌ها، مطالعات، فعالیت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها ارائه می‌شوند. ما (گروه نویسندگان این اثر) در حال حاضر یا پیش‌تر دانش‌آموز، معلم، مدیر، محقق، استاد دانشگاه، مقام دولتی و مشاوران سیاسی و آموزشی بوده‌ایم (یا هستیم) که در مدرسه، مناطق آموزشی، نظام آموزشی در سطح استانی یا ملی کار می‌کردیم (یا کار می‌کنیم). همچنین در همکاری‌های بین‌المللی مشارکت داشته و داریم. اساساً، توانمندسازی معلمان برای مدیریت بهینه و هدایت یادگیری و عمل خود نیازمند تلفیق تغییرات در خط‌مشی‌ها و فعالیت‌های دانش حرفه‌ای و نتایج تحقیقات است.

ما با بررسی تغییر و تحولات در علاقه قانون‌گذاران به بهسازی فعالیت‌های آموزشی و همچنین رویکردها در مورد محتوا و روش سیاست‌گذاری آموزشی آغاز می‌کنیم. رویکردها به خط‌مشی‌ها در مورد کیفیت معلمان در طول زمان و در بافت‌های متفاوت متحول شده است. اکنون ما در برهه‌ای از زمان هستیم که ظرفیت‌ها و پتانسیل جدیدی برای بهسازی آموزشی معلم-راهر با همکاری مشارکت‌کنندگان سراسر نظام ظهور یافته و تکامل می‌یابد. معتقدیم که رهبری و یادگیری معلمان نیازمند توانمندسازی معلمان است، به‌گونه‌ای که معلمان به‌عنوان عاملان (بسیار مهم) در مرکز تغییر و تحولات هستند، نه اینکه صرفاً موضوع یا پذیرندگان تغییراتی باشند که از خارج به آنها دیکته می‌شود. دولت‌ها، مناطق آموزشی و مدیران مدارس به شرکای معلمان در حمایت، یادگیری مشترک و توانمندسازی فعالیت‌های حرفه‌ای تبدیل می‌شوند؛ این موضوع، بیشتر در مورد روش نوین تدوین و اجرای خط‌مشی و همچنین محتوای خط‌مشی است و مستلزم توجه به ماهیت در حال تغییر فعالیت‌های معلمان و فرصت‌های آنها برای بودن و تبدیل شدن به‌عنوان مدیران بهسازی آموزشی است. پروژه در مورد تغییر و تحولات آموزشی و بهسازی هدایت شده برای و توسط معلمان با همکاری معلمان در سرتاسر نظام آموزشی-مدرسه، منطقه آموزشی، ایالت و ملی است. در حقیقت معلمان در یک شبکه بین‌المللی بسیار در هم تنیده (پیچیده)، به دنبال این هستند که به‌صورت محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی، حامیان، هادیان، متخصصان و مدیران فعالیت‌ها و بهسازی آموزشی باشند.



JOURNAL of
NABZ HAYAT

Summer 2024
Volume 10
Number 2